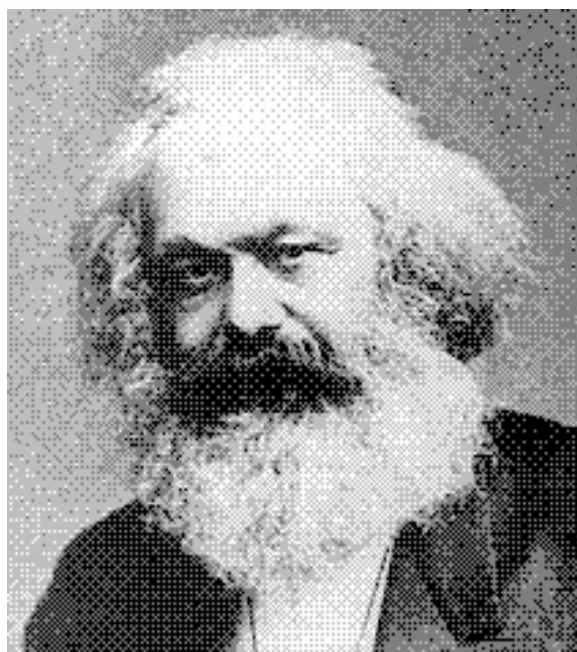


کارگران جهان متحد شوید!

انقلاب است

ارگان جبهه واحد کارگری



- ۲ سر مقاله : روز جهانی کارگر را چگونه بر گزار کنیم؟
- ۸ سی مرغ و معمای سیمرغ رهبری
- ۱۵ نامه ای به یک رفیق
- ۲۰ سال ستیز طبقاتی ...
- ۲۲ روز جهانی کارگر را چگونه بر گزار کنیم؟
- ۲۴ روز جهانی کارگر را هرچه با شکوهتر بر گزار کنیم
- ۲۶ هدف از تجاوز به لیبی ...
- ۲۸ ما زن و مرد جنگیم ، به جنگ تا به جنگیم
- ۳۰ شعار های پیشنهادی جبهه واحد کارگری

Enghelabesorkh@gmail.com

شماره دهم فروردین ۱۳۹۰

سرمقاله :

در روز جهانی کارگر متحدانه خواهان امنیت شغلی باشیم

روز جهانی کارگر را چگونه بر گزار کنیم؟

رسالت انقلابیون چیست و در روز کارگر چه باید کرد ؟

روی صحبت ما با افراد متعلق به بند سه است . بنا براین مهمترین و اولین وظیفه کمونیست ها ، فعالین و کارگران انقلابی در حال حاضر قدم برداشتن در راه ساختن حزب واقعی طبقه کارگر است .

در مقابل جواب چراها یعنی اینکه عدم وجود حزب طبقه کارگر باعث می شود به بسیاری از اهداف نرسیم ، یک سوال پایه ای دیگری طرح می شود.

آیا تا ساخته شدن حزب طبقه کارگر وظایف انقلابی خود را بر زمین گذاشته و منتظر اتمام پروسه ساخته شدن حزب بمانیم؟

جواب این سوال نیز روش است . خیر، نباید منتظر ماند بلکه چون ساخته شدن حزب خود بخشی از ضرورت تاریخی مبارزه طبقاتی است که طی روند و پروسه مبارزه به صورت نیاز ضروری و مهمترین ابزار مبارزه مطرح می گردد و پس از ساخته شدن، استمرار مبارزه و عبور از سرمایه داری را ممکن می کند بنا براین نقشه مند کردن مبارزات خود به خودی و روزمره بدون حزب امکان پذیر نخواهد بود پس باید قبل از و درحین ساخته شدن حزب، کارگران پیشرو ، انقلابیون حرفه ای و کمونیستها وظایف خود را که آماده کردن طبقه کارگر برای تسخیر قدرت است به انجام برسانند و ساختن حزب طبقه کارگر خود بخشی از این وظیفه می باشد. فراموش نکنیم که حزب امداد غیبی ندارد ، جادو گری نمی کند و طلسم هم ندارد

و چرا های دیگر ...

هر گاه بتوانیم برای سوالهای خود جواب دقیق و اصولی پیدا کنیم آنگاه می توانیم راه حل های درست را یافته به مشکلات فایق آییم . اولین و بهترین جواب ما به سوالات بالا و از این دست در یک جمله خلاصه می شود.

چون حزب واقعی طبقه کار گر وجود ندارد.

در مقابل این جواب افرادی که به دنبال جواب چرا ها می گردند به سه قسمت تقسیم می شوند :

۱- افرادی که این جواب را قبول

ندارند حزب را به عنوان یکی از ضروریات انقلاب نمی دانند یا اصلاً انحلال طلب هستند.

۲- افرادی که قبول دارند وجود

حزب از ضروریات انقلاب است و اعتقاد دارند که در حال حاضر حزب طبقه کارگر موجود است که با اندکی تغییرات می توان آن را بروز کرد.

۳- افرادی که اعتقاد دارند حزب

طبقه کارگر از ضروریات اصلی پیروزی انقلاب است و اکنون وجود ندارد و باید حتماً ساخته شود .

افراد متعقد به بند سه در حال حاضر به سه صورت حضور دارند :

الف - به صورت منفرد .

ب- به صورت عضویت در محافل کمونیستی .

ج- به صورت عضویت یا هواداری یکی از احزاب موجود.

با توجه به اینکه موانع بسیار زیادی سر راه انجام وظایف انقلابیون و کمونیستها وجود دارد و انقلابیون بدون نا امیدی و کنار آمدن و سازش با دشمنان رنگا رنگ برای انجام وظایف خویش خود را به آب و آتش می زنند اما در غالب مواقع هزینه می دهیم ولی نتیجه ای بدست نمی آوریم . برای یافتن عیب کار و راه کارهای که ما را به نتیجه مطلوب برساند باید اعمال خود ، شرایط موجود و نیاز ها و توانائهای خود را بارها و بارها به زیر تیغ نقد بکشیم و از خود سوال کنیم :

۱- چرا نمی توانیم جوانان را که

در سالهای اخیر ثابت کردند هیچ ترس و واهمیه از دشمن ندارند و جانانه در مقابل نیروهای فاشیستی - اسلامی در خیابانها جنگیدند به مبارزه مستمر و سازمان یافته برای کسب مطالبات هدایت کنیم؟

۲- چرا نمی توانیم آکسیون

های در روز ها و مناسبت های مختلف از جمله روز کارگر بر گزار کنیم ؟

۳- چرا نمی توانیم حتی یک

اعتصاب نقشمند راه باندازیم؟

۴- چرا نمی توانیم از اعتصابات

زیادی که خود به خود راه می افتند حمایت عملی و سراسری کرده حد اقل یکی از آنها را به پیروزی نسبی برسانیم ؟

حزب خالق کارها ی بی پایه و بی اساس نیست ، کارهای غیر ممکن ، ناگهانی ، غیر منتظره و خلق الساعه نمی کند . وظایف حزب این گونه است که تمامی مبارزات جاری در جامعه را که دارای پایه و اساس و عینیت هستند ، به سمت و سوی یکپارچه و سراسری شدن هدایت می کند. حزب با خورده کاری و مبارزات پراکنده مبارزه نموده و آنها را به کارهای سازمان یافته و نقشه مند تبدیل می نماید. هم چنان که حزب اقدام به سراسری کردن کارها و فعالیت موجود می کند وجود آن باعث ایجاد بستر و فضای می شود که استعدادها و ابتکارات مبارزاتی توده ها و انقلابیون که قبل از به وجود آمدن حزب وجود داشتند و خودشان بخشی از سازندگان حزب هستند شکوفا شود. ساخته شدن حزب که خود ارتقاء مبارزه است و به وسیله ی کمونیست ها ، انقلابیون و کارگران ساخته می شود پس از ساخته شدن متقابلاً باعث رشد و ارتقاء توانائهای سازندگان می گردد. و راه کارها و راه حل های که قبلاً به ذهن سازندگان نمی رسید پس از ساخته شدن حزب پیدا شده و کارهای خارق العاده نیز به انجام می رسند. حزب تاثیر می پذیرد با اعمال انقلابی و ابتکارات و نوآوری سازمانهای هرچه بیشتر پیشرو می شود و تاثیر می گذارد یعنی باعث رشد و شکوفایی اعضایش می گردد(ارتقاء یافته و ارتقاء می دهد.) در مجموع پایه تشکیل شدن حزب همین کارهای است که امروز ما به صورت خورده کاری و پراکنده انجامشان می دهیم و در حین انجام آنها درک می کنیم که کجای کارما ایراد دارد و برای برطرف کردن ایراد چه ابزاری باید داشته باشیم و آن ابزار را چگونه بدست بیاوریم . (در حال حاضر هیچ کدام از احزاب موجود چنین توانایی را ندارند به همین دلیل حزب طبقه کارگر نیستند و دقیقاً خود همین احزاب موجود ضمن گرفتاری در حوزه خورده کاری به خورده کاری نیز دامن می زنند.) حال از خود می

پرسیم قبل از ساخته شدن حزب و در حین ساخته شدن آن ما چگونه باید فعالیت خود را پیش ببریم و نقشه راه و روش کارما باید چه باشد تا به ساخته شدن و یا ارتقاء حزب دست پیدا کنیم؟ همان گونه که گفته شد حزب برای ارتقاء و انجام بهتر همین مبارزات جاری در جامعه ساخته می شود. و چون حزب برای سازماندهی و سازمان یابی است بنا براین اولین قدم برای شروع روند ساخته شدن حزب انجام همین کارها و وظایف به صورت منظم با دقت ، مستمر و حرکت به سمت و سوی سازمانیافتگی و سازماندهی هر چه بیشتر است. حرکت به سمت ساخته شدن حزب دوری از خرده کاری و درهمین حین برقراری اصل برنامه ریزی حتی برای کارهای کوچک اما با افق و چشم انداز بزرگ است. بر نامه ریزی و اجرایی کارهای کوچکی که خود خشت های اولیه حزب خواهند بود. حزب با پیوند دادن کارهای کوچک کارهای بزرگ و حرکتها ی سراسری ایجاد خواهد کرد. بنا، براین دلایل است که می گوئیم سلولها یا هسته های کمونیستی نطفه های یک حزب انقلابی هستند . حال از خود می پرسیم سلولها و هسته های کمونیستی چه وظایفی را باید دنبال کنند بخصوص برای روز کارگرچه کارهای می توانند انجام بدهند؟ ما می توانیم تا به وجود آمدن حزب از تجربیات ۲۰۰ ساله طبقه کارگر در مبارزات خود استفاده کنیم . و آنها را متناسب با ویژه گیهای شرایط امروزی تغییر داده به عنوان روش و سبک کار خود بکار گیریم. و در همین حال با به کارگیری ابتکارات توده ای روش های جدید مبارزه را کشف کنیم. اینجا نیز یک سوال جدید طرح می شود :

به طور واضح از کدام تجربه مشخص برای کدام وظیفه مشخص می توان استفاده کرد؟

با توجه به پیش رو بودن روز جهانی کارگر می توان سوال بالا را این چنین طرح کرد:

برای امکان پذیر کردن برگزاری روز

جهانی کارگر چگونه و از کدام تجربیات تاریخی طبقه کارگر می توانیم استفاده کنیم؟

حال می توانیم این سوال را در مورد دیگر فعالیت های خود نیز به صورت تخصصی طرح کنیم مثلاً" به پرسیم :

برای امکان پذیر کردن ساخت حزب از کدام تجربیات تاریخی طبقه کار گری می توانیم استفاده کنیم ؟

یا برای امکان پذیر کردن اعتصابات سراسری یا ایجاد یک اعتصاب موفق از کدام تجربیات تاریخی می توانیم استفاده کنیم؟ به یاد داشته باشیم که اگر با هر پدیده ای یا مشکلی علمی علمی برخورد کنیم به نتیجه یا جواب اصولی خواهیم رسید . در بررسی مسائل به شکل علمی اولین قدم این است که در مورد آن مشکل یا موضوع سوالاتی از خود بپرسیم.

سوالات کلی که اصول و پایه ای مشترک داشته باشند به صورت زیر خواهند بود:

- ۱- کجا می خواهیم برویم؟
- ۲- چرا می خواهیم برویم؟
- ۳- چگونه باید برویم؟
- ۴- کی باید برویم؟
- ۵- چه موانعی سر راه ما وجود دارند؟

این چند سوال را می توان با توجه به موضوع تخصصی تر طرح کرد و چون موضوع فعلی ما روز کارگر است می توانیم سوالات را به صورت زیر طرح کنیم:

- ۱- روز کارگر چیست؟
- ۲- چرا روز کارگر بوجود آمده است ؟
- ۳- چرا باید روز کارگر را برگزار کنیم؟
- ۴- چگونه باید روز کارگر را برگزار کنیم؟
- ۵- کجا باید روز کارگر را برگزار کنیم؟

- ۶- چه موانعی سر راه برگزاری روز کارگر وجود دارد؟

فراموش نکنیم که کمونیسم علم رهایی طبقه کارگر است ، پس باید علم را به سبک و صیاق علمی آموخت و آموزش داد. و همچنین به یاد داشته باشیم که درست طرح کردن سوال نصف جواب را در خود

دارد.

دشمن با توجه به اینکه ناچار به قبول و پذیرش روز جهانی کارگر شده است تلاش می کند روز کارگر فقط به صورت یک روز و آنهم به عنوان جشن دیده شود و یا این روز را تحریف و تصرف می کند. اما طبقه کارگر آن را باید به عنوان ابزار مبارزه برای همیشه و به عنوان روز اعتراض نه جشن مورد استفاده قرار بدهد. پس مشخص می شود که این روز یک هدف نیست بلکه ابزاری برای گسترش و سراسری کردن اعتراضات به جهت رسیدن به هدف والایی است. همچنین مشخص شد که روز جشن و بزم نیست بلکه روز مبارزه، نبرد و رزم است. وقتی می گوئیم هدف نیست یعنی اینکه ما نباید کارها و وظایف خود را طوری تنظیم کنیم که نتایج آنها به روز کارگر ختم شود بلکه باید بر گزاری روز کارگر را طوری تنظیم کنیم که موجودیت و برگزاری آن ما را به هدف اصلی و والاتری نزدیک تر کند یعنی به ما در عبور از سرمایه داری کمک کند واضح تر بگوئیم وظیفه انقلابیون بخصوص کمونیست ها آماده کردن طبقه کارگر برای تسخیر قدرت است یکی از پارامتر های آمادگی طبقه کارگر برای تسخیر قدرت داشتن آگاهی طبقاتی است پس باید روز کارگر را طوری برگزار کنیم که ما را در انجام این رسالت یعنی آماده کردن طبقه کارگر برای تسخیر قدرت حداقلش دادن آگاهی به کارگران است. پس روز کارگر را طوری برگزار کنیم که امکان انتقال هرچه بیشتر آگاهی به کارگران را داشته باشیم. به وجود آورندگان و تصویب کنندگان روز کارگر نیز دقیقا" با این هدف آن را ایجاد و تصویب کردند. در نهایت جواب کوتاه این است، روز کارگر هدف نیست بلکه ابزاری برای اعتراض، انتقال آگاهی به جهت نزدیکتر شدن به هدف است. بر این مبنا یکی از مهمترین بخش تبلیغ و ترویج و سازماندهی به مناسبت روز کارگر باید تبلیغ متشکل شدن کارگران در سازمانهای سیاسی و توده ای خود باشد در صورت پیشبرد چنین

تبلیغی طی روز های قبل و بعد از اول ماه می می توان قدم های بسیار مثبتی جهت ساخته شدن حزب برداشت باید در میان کارگران به این بحث دامن زد که طبقه کارگر فقط از طریق حزب واقعی خود می تواند رهبری خود را بر تمامی مبارزات گسترش داده ضمن بدست آوردن مطالبات اقتصادی - سیاسی کسب آنها را بدون بازگشت نماید. در صورت نبود حزب شاید بتوان مطالبات ناچیزی را بدست آورد ولی دشمن آنها را خیلی زود پس می گیرد. هسته ها، کارگران انقلابی و کمونیستها باید بدانند با وجود اینکه اولین وظیفه آنها آماده کردن طبقه کارگر برای تسخیر قدرت است در همین حال اولین قدم آنها برای انجام چنین رسالتی متقاعد و متشکل کردن کارگران در سازمان سیاسی شان یعنی حزب طبقه کارگر است. اگر چنین حزبی تشکیل نشود تا کارگران را در خود و سازمانهای توده ای کارگران متشکل نکند هرگز طبقه کارگر برای تسخیر قدرت آماده نخواهد شد. بنا براین ضمن اینکه کمونیست ها و کارگران انقلابی در هر شرایط و زمانی وظیفه تبلیغ و ترویج و سازمانیابی در حزب طبقه کارگر را دارند اما در جو و فضای آماده شدن برای برگزاری روز جهانی کارگر فرصتی صد چندان بدست می آورند تا ضرورت حیاتی حزب را تفهیم کنند.

نمی توان برای برگزاری روز کارگر یک یا حتی صدها طرح و روش ثابت بیان کرد. اینجاست که ابتکارات، شکوفای استعدادها و همچنین بررسی شرایط عینی و انطباق اصول با شرایط و هدف استفاده از ابزار (مثلا" برگزاری روز جهانی کارگر) خود را نمایان می کند. بنا براین هسته ها و سلولهای کمونیستی که با شرکت کارگران و جوانان انقلابی و کمونیستها تشکیل شده و می شوند با بررسی و تشخیص موقعیت ها و امکانات باید راه ها و روش های مختلف را پیدا کنند. در این رابطه سخن بسیار است ما فقط برخی از تجربیات موفق تاریخی طبقه کارگر را می توانیم

مثال بزنیم و رفقا باید خودشان از درون خاطرات، کتابهای تاریخی، مقالات، گزارشات، رمانها و شنیده های خود و... مثال های بسیاری را بدست آورند و آنها را که امکان پیاده شدن با تغییراتی در شرایط فعلی را دارند اجرایی نمایند به چند مثال در زیر توجه کنید.

بلشویک ها برای برگزاری اول ماه مه چندین روز یا حتی چندین هفته قبل به باغها، مزارع و کوهها می رفتند و کارگرانی که مستعد بودند و نیاز به آگاهی داشتند با خود به گردش برده در جلسات واقعی و جدی اقدام به ترویج و تبلیغ و حتی سازماندهی می کردند (اگر می گوئیم جلسات واقعی و جدی به این دلیل است که طی سالهای گذشته در ایران نیز به گردش می روند ولی بنا به ملاحظات غلط و حتی سازمان دهی گردش غلط است بنا براین نه جلسات واقعی تشکیل می شود و نه حرفهای جدی گفته می شود بلکه در واقع رفع تکلیف کرده و به بازی و حرفهای پوچ می گذرانند نباید در حرکت های هسته ها و سلولهای کمونیستی چنین رفع تکلیف و وقت کشیها جا بافتد بلکه باید چنان دقیق سازماندهی شود که بازی و تفریح به جای خود و جلسات واقعی و جدی نیز به جای خود برگزار شود و نباید هر کسی به دلیل داشتن افراد زیاد باعث دور شدن از هدف گردد سیاهی لشکر مشکل ما را در چنین موقعیتی حل نمی کند و البته می توان دو نوع گردش یا جلسه سازماندهی کرد که هر کدام فراخور امکانات خود کار کرد مخصوص به خود باید داشته باشد. (همچنین بلشویک ها در خانه ها با تعداد کم جمع شده به بررسی و گزارش برگزاری روز کارگر اقدام می کردند. حتی در روز کارگر با تعداد کمتری به محل کار و تجمع کارگران رفته اقدام به تبلیغ و ترویج در حد پذیرش آن جمع ها می کردند که همه اینها را می توان در ایران انجام داد. در ایران نیز حزب توده در دوران پهلوی با ترتیب دادن عروسیهای ساختگی... اقدام به برگزاری مراسم روز کارگر می کرد و...

کارها و نقشه های زیر را ضمن اینکه تمامی رفقا می توانند در سطوح مختلف انجام بدهند اما برای دقیقتر و هرچه بهتر انجام شدن آنها نیاز به هسته ها و سلول های کمونیستی است ما قبل از ارایه پیشنهاد های خود از رفقای که هنوز هسته های خود را تشکیل ندادند می خواهیم در طی روند برگزاری مراسمهای روز جهانی کارگر اقدام به تشکیل هسته های خود نیز بکنند. با سازماندهی هسته ها بهتر می توانیم از عهده کارها بر آییم.

راه های مختلفی برای برگزاری روز جهانی کارگر در حد توان و توازونی که فعلاً وجود دارد همچنین با توجه به امکاناتی جهت ارتقاء آن می توان پیدا کرد. چند راه را ما پیشنهاد می کنیم. البته با توجه به اینکه برگزاری مراسم روز کارگر را یک ابزار می دانیم و هدف فعلی از برگزاری آن را تبلیغ، ترویج و آگاهی رساندن و دعوت کارگران به متشکل شدن در اشکال توده ای و انقلابی است. به طور کلی می توانیم با استفاده از راه و روش های گوناگون قدم اولیه را با تکیه بر مطالبات اقتصادی - سیاسی روز کارگران با معرفی روز کارگر و ترویج اهداف و اندیشه های سوسیالیستی همچنین تبلیغات سیاسی برنامه ریزی نماییم. البته با این توضیح که انجام وظایف و روشهای پیشنهادی نباید فقط به روز کارگر محدود شوند بلکه می توان از همین فردا شروع کرده تا چند روز پس از روز کارگر نیز ادامه داد. همچنین به برنامه ریزی دقیق که هسته ها و سلولهای کمونیستی می توانند پیش ببرند اقدام کنیم. با توجه به اینکه ممکن است هنوز هسته یا سلول کمونیستی شکل نگرفته باشد در این صورت می توانیم با چند نفر از دوستان مورد اعتماد خود صحبت کرده تا تشکیل شدن هسته ها فعلاً به طور موقت اقدامات لازم را برای انجام برنامه ها در حول و حوش روز کارگر به انجام برسانیم. پیشنهاد های ما در این رابطه عبارتند از:

۱- دعوت از کارگران، زنان و جوانان با توجه به روحیه و شناختی که از آنها داریم جهت شرکت در گردش

و معرفی روز کارگر به آنها و بهتر است که به عنوان روز کارگر دعوت شوند. (بهتر است برنامه ریزی و اجرای آن را بین همه دعوت شده ها و شرکت کنندگان تقسیم کنیم و در حین برگزاری یا تهیه مقدمات آن ضمن ارایه راهنمایی ها در کارهای عملی نیز شریک باشیم. در واقع طرح کلی را ما یا هسته ای که وجود دارد ولی مخفی است فقط از طریق اعضای خود که کسی نمی داند در هسته ای عضویت دارند ارایه می گردد. بقیه کارها از جمله برنامه ریزی و سازماندهی افراد و برگزاری گردش باید توسط همه به اجرا در آید. توجه داشته باشیم که این روش در تمامی موارد اجرایی لازم است.

۲- تشکیل جلسات در خانه های شرکت کنندگان. در این جلسات که می تواند از دو نفر تا دهها نفر باشد (با توجه به موارد امنیتی) جمع شده اقدام به بررسی مشکلات کارگران، معرفی روز کارگر و اعلام نظر و تصمیم گیری برای رسیدن به مقصد و مطالبات انجام داد.

۳- هسته و سلول کمونیستی با رفقای دیگر که در رابطه با روز کارگر اشتراکات بیشتری دارند و البته رفقای دیگر یا فعالین دیگر نباید از عضویت ما در هسته یا سلول کمونیستی با خبر شوند. می توان برنامه ریزی کرده به محله های کارگری رفته با پخش گل و شیرینی روز کارگر را به آنها معرفی و در صورت امکان چند دقیقه ای بدون جلب توجه کسی با آنها به صحبت پرداخت و در صورت امکان نوشته های بین آنها ولو بسیار محدود توضیح کرد. رفقا توجه داشته باشید که این برنامه ها می تواند و باید چندین روز قبل از اول ماه مه و همچنین هر روز در محله ای دیگر تکرار شوند به یک

روز و یک دفعه و یک محله نباید غناعت کرد بلکه هر چه روزهای بیشتر و دفعات بیشتر و همچنین محله های بیشتری را در بر بگیرد ثمره ی بیشتری به بار خواهد آورد. هر چند که هزینه های بیشتری نیز خواهد داشت اما وظیفه هر انقلابی است که از این فرصت ها بیشترین استفاده را بکند.

۴- کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان و دانش آموزان و... با برنامه ریزی دقیق می توانند و البته باید در محل کار خود در حین کار در صورتی که ممکن نیست قبل از شروع یا بعد از اتمام کار خود دور هم جمع شده بدون جلب توجه نیروهای دشمن به صحبت و بررسی مشکلات و مطالبات خود همچنین به معرفی روز کارگر بپردازند. بهتر است از کسانی که تازه به محیط کار وارد شده اند و به آنها اطمینان داریم دعوت به شرکت در جمع خود نماییم. مثلاً دانش آموزان می توانند چندین بار در روزهای قبل و بعد از روز کارگر دوستان و هم کلاسی های خود را جمع کرده در کلاس های خالی به بهانه برگزاری کلاس های تقویتی اقدام به بحث و گفتگو در رابطه با روز کارگر و دیگر مسائل کارگری نمایند و در آن جلسات برنامه ریزی های دیگر را پیش ببرند یا در حین بازی های گروهی از جمله فوتبال و حتی با تشکیل تیم های جدید یا برگزاری مسابقات به مناسبت روز کارگر اقدام به برقراری جلسات بیشتری نمایند. همچنین زنان و دختران می توانند در محل کار و زندگی خود با جمع کردن زنان و دختران محل در خانه یکدیگر به موضوع مشکلات و روز کارگر بپردازند. معلمان، پرستاران و دانشجویان نیز ضمن رفتن به محله های که

کارگران جمع می شوند در بین خود و در محل کار خود نیز می توانند جمع های را تشکیل داده به بررسی و مشکلات خود و کارگران و یافتن راه حل های اقدام کنند.

۵- رفقا یکارگر آگاه و پیشرو باید چند روز قبل از اول ماه مه به میادینی که پاتوق کارگران ساختمانی یا نقاشان است بروند و با آنها بهانه های مختلف از جمله اینکه خودشان می خواهند کارکنند یا برای کارشان به دنبال کارگر آمده اند شروع به صحبت نمایند و با دقت و متناسب با جو موجود آنجا به معرفی و بیان اهداف روز کارگرو به مدت کوتاه بپردازند در همین حال می توانند از مشکلات کارگران حاضر در میادین سوال کنند و سوالاتی برای به چالش کشیدن فکر آنها طرح نمایند. باید دقت شود که در دو زمان متفاوت می توان به میان کارگران ساختمان رفت یکی از ساعت شش و نیم صبح تا هشت و نیم صبح در این زمان بیشترین کارگر در پاتوق حضور دارند ولی چون رقابت برای پیدا کردن کار دارند وقت صحبت کردن بسیار کم و برخی مواقع امکان پذیر نیست. دوم بعد از ساعت هشت و نیم تا یازده یا بیشتر هرچند تعداد کارگران کم می شود ولی فرصت صحبت بسیار بیشتر می گردد چون کارگرانی که آن روز کاری گیرشان نیامده در پاتوق چندین ساعت می مانند.

۶- همچنین می توان در میادین میوه و تره بار حضور یافت و با کارگران حاضر در آنجا نیز صحبت کرد اقدام به معرفی روز کارگر و اهداف آن نمود لازم به توجه است که در میادین میوه و تره بار نیز بهتر است از ساعت ۹ صبح به بعد حاضر شد. همچنین می توان با بررسی و برنامه ریزی های دقیق در نقاطی که کارگران کفاش، خیاط، نانوا و...

پاتوق دارند از جمله در تهران میدان قزوین محل پاتوق کارگران نانوايي، سه راه جمهوری محل پاتوق کارگران خیاط و... حضور داشت و وظایف خود را تا حد امکان انجام داد همچنین طی چندین روز قبل از اول ماه مه و حتی در همان روز و چندین روز پس از آن به کوره پز خانه ها رفته و پای صحبت های کارگران نشسته و صحبت ها و کارهای لازم را انجام داد (با توجه به اینکه تمامی کارگران صنفی و خد مانی مانند همه آنها یک نام بردیم هرکدام در چندین نقطه از شهرها دارای پاتوق های هستند بنا براین اعضای هسته ها و یا رفقای که هنوز موفق به تشکیل هسته خود نشده اند می توانند با کمک گرفتن از دوستان خود بدون اینکه آنها بدانند شما عضو هسته ای هستید با برنامه ریزی دقیق بین خود و دوستانتان تقسیم کار کرده دو به دو به پاتوقها (قهوه خانه ها و سر چهارراه ها و...) رفته اقدام به انجام کارهای تبلیغی و ترویجی نمایید.

۷- رفقای که دارای تجربه، دقت و توانایی مبارزه با پلیس سیاسی هستند، می توانند با برنامه ریزی دقیق در ساعات تعویض شیفت کارخانجات بزرگ و حتی کوچک به محل سوار و پیاده کردن سرویسهای کارگران رفته اقدام به کارهای تبلیغی نمایند. نباید فراموش کرد که در کارخانجات بزرگ کارگران پیشرو و انقلابی با شناخت دقیق از موقعیت آنجا حضور دارند که بهتر است آنها خودشان برنامه ریزی لازم را انجام بدهند اما حضور دیگر رفقا که با دقت برنامه ریزی کرده اند بی ثمر نخواهد بود در تمامی موارد لازم است اعضای هسته ها و حتی رفقای که هنوز هسته ندارند دارای بهانه خوبی برای ارایه به پلیس در صورت مشکوک

شدن به حضور رفقا در محل کار کارگران یا در پاتوق آنها از قبل تهیه و بررسی کرده باشند.

۸- برقراری پیوند میان کارگران کارخانجات مختلف بخصوص کارخانه های هم رشته و هم وظیفه کارگران پیشرو هر کدام از کارخانه ها است و این عمل می تواند توسط هسته ها برنامه ریزی شده و بدون اینکه خود کارگران از هویت هسته ها خبر داشته باشند از طریق آنها با کارگران دیگر کارخانه ها رابطه برقرار کنند. در روز های قبل از اول ماه مه این امکان بیشتر است.

۹- کارگران پیشرو و جوانان و زنان و مردان انقلابی می توانند مهمانیهای با شرکت چندین خانواده کارگری تشکیل داده ضمن برگزاری جشن به بهانه های مختلف به صحبت و موضوع روز کارگر نیز بپردازند. مثلاً اگر سالگرد ازدواج یک دوست چند روز قبل یا چند روز بعد از اول ماه مه است می توان با این بهانه جشنی بر گزار کرد و افرادی که مستعد شناخته می شوند دعوت کرد. یا اگر سالگرد فوت یکی از بستگان یا دوستی نزدیک است می توان مراسم ترتیب داده و دوستان را دعوت کرده به کارهای لازم رسید. یا روز تولد یکی از دوستان یا از کودکان مورد خوبی برای ترتیب دادن جشن و آواز خواندن و رقصیدن است که با برنامه ریزی دقیق می توان به کارهای تبلیغ و ترویج نیز رسید. (همه این جمع شدن ها می توانند زمینه و بستری برای جمع شدن های بعدی و برنامه ریزیهای زنجیره ای و مستمر در آینده باشند و در همه ای این جلسات می توان برای ادامه کارهای بعدی برنامه ریزی کرد و حتی می توان برنامه ریزی های مستمر برای ادامه گردش ها و جمع شدن ها انجام داد البته باید توجه کرد تا نهایت امکان بهتر

مفید خواهد بود و با توجه به اینکه طی سالهای زیادی این روش به توسط کارگران پیشرو بخصوص کارگران کارخانجات بزرگ به یک سنت خوب تبدیل شده است. برگزاری و تکرار چنین حرکتی بسیار ثمر بخش است.

همه نوع دلیل و بهانه می توان برای دور هم جمع شدن پیدا کرد اما باید ۷ مورد را در نظر گرفت یک - دقیق برنامه ریزی کنیم و بهانه خوبی برای دور هم جمع شدن داشته باشیم دو - تا نهایت ممکن هزینه ها را کم کنیم و بین افراد مایل به کمک تقسیم نماییم سه - جمع شدن و جلسات را اجازه ندهیم از کنترل ما خارج شده و فقط به تفریح بگذرد. چهار - روز کارگر روز جشن نیست بلکه روز مبارزه است و اگر با بهانه جشن جلسه ترتیب می دهیم آن بهانه است نه هدف پنج - تلاش کنیم هرچه ممکن است جلسات بیشتر ادامه داشته باشند شش - با دقت موارد امنیتی را رعایت کرده و رفقا را به خطر نیندازیم ۷ - و مهمتر از همه با دقت و هشیاری توجه داشته باشیم اگر امکان رشد جلسات وجود داشت ، جلسات دیگری با سطح بالاتری را تشکیل بدهیم همچنین از میان افراد شرکت کننده افراد مستعد را بیشتر ارتقاء داده در هسته از آنها استفاده نماییم و در تمامی لحظات باید دارای افق و چشم انداز باشیم هشت - همیشه با دست پر و آگاهانه در جلسات شرکت کنیم.

دوست یا فامیل ، پیدا کردن کار و مشغول شدن کسی که بیکار بوده است عیادت از بیماران درخانه ها، دیدن پدر و مادر پیر یک دوست ویا دیدار از کسی که از زیارت بر گشته است یا در آینده قصد رفت به زیارت را دارد و... همه ای این ها با بر نامه ریزی دقیق می توانند دلایل خوبی برای جمع شدن و برگزاری جلسات باشند.

۱۰- هسته ها و رفقای انقلابی که هنوز هسته خود را تشکیل نداده اند می توانند بیانیه ها و اعلامیه ها و تراکت های روز کارگر را تکثیر کرده با رعایت موارد امنیتی در کوچه ها ، مدارس ، محل کار و... توزیع نمایند. همچنین می توانید برچسب های که روی آنها شعار های مطالباتی کارگران را نوشته اید در محله های که دارای عبور و مرور زیادی هستند به چسبانید. و همینطور پارچه نوشته های را از محل های که بیشتر مشاهده می شوند آویزان کنید و در دیوار نوشته های خود ضمن معرفی روز کارگر و مطالبات کارگری و همچنین نوشتن مطالبات روز همه مردم آنها را به برگزاری روز کارگر و حضور در خیابانها و میادین دعوت نمایید.

۱۱- ترتیب دادن گلگشت ها و کوهنوردی به صورت خانوادگی یا حتی مجردی با توجه به موارد امنیتی بسیار

است هزینه ها هرچه کمتر باشد تا هم دوستان بیشتری امکان شرکت داشته باشند و هم امکان برگزاری در دفعات بیشتر ممکن شود لازم است از تجربیات رفقای خود در طی چند سال گذشته دو مورد را بیان کنیم باید صحبت ها و زمان جلسات با امکانات روحی و توانایی فکری شرکت کنندگان مبتدی هماهنگ شود و همچنین در شروع جلسه بر نامه و زمان و مکان جلسه بعدی که همه هنوز سرحال هستند با توجه به مشارکت در تعیین وقت و مکان که متناسب با همه باشد تعیین شود یا برای اینکه موارد امنیتی حفظ گردد بهتر است در اول جلسه افرادی برای اطلاع رسانی جلسه بعدی به شرکت کنندگان به صورتی که مشکل امنیتی ایجاد نکند اعلام شوند) قبولی یکی از کودکان دوستی یا قبولی یکی از دانشجویان در ترمی یا مرخص شدن دوست یا آشنایی که در بیمارستان بستری بوده است یا اینکه دوستی بیمار شده و در خانه بستری شده است و حتی می توان ترتیبی داد که برخی از دوستان چند روزی خود را به بیمار بزنند و عیادت از او بهانه جمع شدن باشد و حتی می توان خواستگاری مصلحتی ترتیب داد. ارتقاء شغلی یک

زندانی سیاسی ، کارگر زندانی آزادباید گردد

ما خواهان حذف قانون حذف یارانه ها هستیم

اول ماه مه رابه روز تبلیغ ، ترویج و سازمانگری تبدیل کنیم

روز جهانی کارگر را در اشکال متنوع، گسترده و آگاه سازی بر گزار کنیم

در روز جهانی کارگر هر چه گسترده تر پیش بسوی تشکل یابی

زنده باد اعتصاب عمومی سیاسی زنده باد انقلاب کارگری

توضیح از طرف نشریه:

رفیق راوی با توجه به درخواست نشریه مطلب زیر را تهیه و برای ما ارسال کرده اند ما صمیمانه تشکر کرده و رفیقانه دست ایشان و تمامی رفقای که در راه اعتلایی جنبش کمونیستی مبارزه می کنند می فشاریم. همچنین برای اینکه مبارزه در قالب هسته های مخفی کمونیستی در این نشریه به وفور مورد بحث قرار می گیرند لازم است بیان شود که این هسته ها حیز عجیب و غریبی نیستند زیرا:

نیروهای انقلابی که در حرکت های اجتماعی شرکت می کنند و توده های کارگری یا مردم را در یک کارخانه یا در یک محله مشخص برای کسب یک یا چند مطالبه مشخص دعوت به مبارزه می کنند هرگز بطور علنی و شفاف نمی گویند کمونیست یا چپ هستند اما عمل و کارهای اجتماعیشان مورد توجه توده ها قرار گرفته به صورت یک رهبر جلوه می کنند. این سبک کار در واقع همان سبک کار هسته ها است او افکار و اندیشه انقلابی خود را از طریق بیان زبانی مخفی می کند ولی حاصل انقلابی اندیشه خود را در کارها و روش های مبارزاتی توده ها عملاً داخل کرده توده ها را هدایت می کند. در محله ها و کارخانجات مختلف از این رفقا بسیار می توان یافت. اما چون این رفقا انفرادی و غیر متشکل کار می کنند در نهایت کارشان شکل خورده کاری پیدا کرده حاصل کارشان به جیب طبقه سرمایه دار می ریزد. حال این رفقا که کارشان همان عمل هسته ای است تک به تک یا حتی در کنار هم اما غیر متشکل فعالیت می کنند اگر با چند رفیق دیگر در هسته ای متشکل شده و فعالیت سازمان یافته با چشم انداز و افق سوسیالیستی مبارزه کنند پیروزی آنها و در مجموع پیروزی نیروهای انقلابی صد چندان شده و حاصل مبارزاتشان به حساب طبقه کارگر واریز خواهد شد. در مبارزه به شکل هسته های سرخ کمونیستی نیازی نیست که اندیشه خود را پنهان کنیم بلکه باید سازماندهی و افراد سازمان ده را از دید دشمن مخفی نماییم.

همچنین نیاز به توضیحی نیز در رابطه با توجیه تقلیل مطالبات از جانب احزاب و سازمان های موجود است: سوالی که همیشه در تحلیل های انقلابی و علمی وجود دارد این است که چرا اکثریت حتی کارگران بیشتر خواسته هایشان و مبارزاتشان در حد اصلاحات قرار دارد یا به آنها تقلیل راه می یابد و حتی همین باعث می شود بیشتر نیروهای که وانمود می کنند انقلابی هستند اما در عمل تقلیل یافته هر روز بیشتر به سمت اصلاح طلبی و سازش طبقاتی کشیده می شوند این به دلیل تسلط ایده لوژی سرمایه داری است که بدون رهبری عملی بورژوازی نیز خود به خود عمل می کند در واقع ذهنیت ضد انقلابی است که در عدم حضور ذهنیت انقلابی تسلط کامل دارد و تا زمانی که رهبری انقلابی برای شکست این تسلط و برقراری ذهنیت انقلابی وجود نداشته باشد امکان پیروزی انقلاب کارگری وجود نخواهد داشت. و آن گروه ها و جریاناتی که هر روز بیشتر به سمت سازش طبقاتی و اصلاح طلبی مایل می شوند به دلیل این است که فقط دارای تبلیغات انقلابی هستند نه تئوری انقلابی. که تکمیل کننده عمل انقلابی باشد و همین باعث انحراف بیشتر آنها (احزاب و سازمان های موجود) می گردد.

سی مرغ و معمای سیمرغ رهبری

جنبش های مردمی صدق کرده و طبقه کارگر و نیرو های انقلابی نیز از آن مستثنی نیستند. اما جابجائی پیروزمندانه طبقاتی بدون یک نیروی رهبری منسجم و درعین حال سیال انقلابی و کمونیست که قادر باشد مهر انقلاب و تغییر را بر

سد راهشان میثوند، آبدیده تر شده و در پلهء عالی تری از این پروسه کمی و کیفی تغییر قرار میگیرند. این خود مرحله ای از انقلاب اجتماعی بزرگی است که خود را در مرحلهء کسب قدرت سیاسی در جامعه نمودار میسازد. این در مورد تمام

انقلاب را توده ها میکنند و فقط با نیروی لایزال آنها میشود اقدام به تغییر بنیادی جامعه کرد. توده ها در پروسهء این جابجائی طبقاتی قدرت، در هر مرحله از روند مبارزات خود با شتاب و فشردهگی انقلاب آموخته و با گذار از موانع عملی و ذهنی که

این حرکتها زده و خود نیز به بعنوان یکی از اساسی ترین عوامل این حرکت پیروزمندانه در پراتیک انقلابی به کیفیتی تازه از مقوله رهبری برسد، امکان پذیر نیست و این اصل تا زمانی که بشریت از شر تمام آثار باقی مانده از روابط کالائی و قانون ارزش گذاری و پسمانده های جوامع طبقاتی رهائی نیافته است، اعتبار خود را حفظ خواهد کرد. اما این نیروی رهبری چیست و ما چه برداشت و تجسمی از روند بلند مدت انقلاب و تجسم فوری و امکان پذیر آن داریم؟ کسب قدرت سیاسی برای برقراری دولت و دیکتاتوری پرولتاریا نه بعنوان هدف نهائی بلکه سرآغاز انقلابات جهانی سوسیالیستی را در شرایط کنونی چگونه می بینیم و آیا این بستر فراهم شده انگیزه ای برای تدارک جدی این امر هست؟ آیا واقعاً حساسیت و اهمیت شرایط موجودی که چند سالی است شکل گرفته، درک شده و ما با قرار دادن مقوله انقلاب در دستور کار خود، فعالیتها و برنامه هایمان را تنظیم میکنیم؟ آیا ما توان و قدرت رهبری خود را باور داریم و انقلاب در ذهن ما مقوله ای دست یافتنی تجسم میشود؟

اگر ما جنبش چپ و کارگری را در این مرحله برمبنای پاسخگوی به سوالات بالا بررسی کنیم، **شاید** بتوان تصویر کلی تری را از درجه دیگر بدست آورد و قادر به تشخیص نیروها و پتانسیل های نهفته جدیدی در سر و بدنه جنبش شویم. قادر بشویم تا خود و پرولتاریا را به مثابه ابزاری برای نجات و رهائی کل ستمدیدگان و زحمتکشان جامعه در مرکز این انقلاب قرار داده و وسعت دیدی فرای یک طبقه یا جنبش بریده از جامعه

کسب کنیم. اینگونه و از این درجه شاید جایگاه ما در روند متغیر انقلاب انعطاف پذیری بیشتری را طلب کند ولی بخش بزرگتری از نیروهائی را که واقعاً دغدغه انقلاب و تغییر دارند، در بر گیرد. صد البته که این انعطاف به معنای دست برداشتن از باورهایمان و زیر پا گذاشتن آنها و کرنش در برابر سیاستهای "اپوزیسیون اعلیحضرتی" نیست. باید همینجا تاکید کرد که ما از همه جنبشهای حق طلبانه حمایت میکنیم ولی این به معنی نزول خواستها و اهدافمان تا حد جنبشهای خودانگیخته ستمدیدگان و عاصیان تاریخ نیست. بسیاری هستند که در حال حاضر به ضرورت سرنگونی رژیم پی برده و تا این مرحله با ما هم نظر هستند ولی آنچه که ما را از یک سلطنت طلب یا جمهوری خواه یا جبهه ملی و امثال شهرام همایون متمایز میسازد، دقیقاً آلترناتیوی است که در برابر این رژیم قرار میدهم. دست کشیدن از این آلترناتیو جایگزینی به عقیده من یعنی گسست از اهداف و افق های بلند مدتی که برنامه و گام های کوتاه مدت باید در آن راستا برداشته شوند.

روند متغیر انقلاب و سیالیت آن همانطور که شاهدیم مداماً در حال تغییر بوده و هر باره جبهه ها و درهای نوینی را باز و بسته میکند. جامعه همگون نیست و سیالیت آن خیل عظیمی از مردم را مداماً در چار چوبه های مختلف طبقاتی- اجتماعی- سیاسی بالا و پائین میکشد. کارگری که تا دیروز در مجتمع صنعتی عسلویه کار میکرد فردا دهقانی است که دوباره در یک روستای جنوبی کشور بر سر زمین کار زراعی میکند. ۱۲ میلیون "حاشیه نشین" که

عمدتاً به شکل نیمه پرولتر جذب بازار کار میشوند جلوه های دیگری از این رفت و شوندها است که بعضاً و بخشاً در لایه های مختلف طبقاتی جامعه نیز خود را نمودار میسازند. فقر فزاینده در شهرها طبقه متوسطی را شکل داده که لایه های پائین آن وضعیت بهتری از جمعیت "حاشیه نشین" ندارد. جمعیت بزرگی از مردم بیکار و بی سرنوشت در سر هر گذاری خود را در جامعه رقت بار سرمایه داری ایران به نمایش عمومی گذاشته که برای امرار معاش خود و خانواده از کار مزدوری موقتی گرفته تا شرکت درخريد فروش های کوچک کالائی فوری در بازار سیاه و غیر رسمی و برای بقاء، مابین تعاریف طبقاتی و لایه های متنوع آنها پرسه میزنند. مسئله زنان جامعه و انعکاس ستم جنسیتی در روابط طبقاتی خود پیچیدگی دیگری را به کل روابط موجود بخشیده که درادغام با روبنای دینی کهنه ماقبل سرمایه داری حاکم بر روابط مردم، نمیشود فقط با خط کش میلیمتری طبقات بطور مکانیکی به بررسی جامعه، جنبش عمومی مردم و کارگری پرداخت و منافع تاریخی پرولتاریا و رهائی جامعه را نتیجه گرفت. این مناقع تاریخی است و بیان **روابط سلطه گرانه و ستمگرانه ایست که در چارچوبه های این شیوه تولید خود را به مردم و پرولتاریا تحمیل کرده است.** خلاصه که مجموعه و بخش بزرگی از جامعه که در این مرحله انقلاب جبهه واحدی را تشکیل میدهند که خواسته های فراوانی آنها را به هم پیوسته و خواسته یا ناخواسته در کنار هم قرار میدهد. توده ها به تنهائی قادر به تحلیل درست از این مراحل و

اشکال مختلف بافت جامعه نیستند و حتی بدون در نظر گرفتن تأثیرات رهبری بورژوائی باز هم گرایش خودبخودی حرکت مردم و حتی طبقه کارگر اساساً رو به اصلاحات است. تا جایی که به توده‌ها می‌رسد این واقعیاتی است که خارج از اراده آنها، بصورت زندگی جاری و روابط حاکمی که روزمره در حال جاری شدن است ظاهر میشوند و درک‌های مختلف غلط و درست جنبش چپ از این بافتها و روابط واقعی هم تاکنون تأثیری بر این واقعیات موجود نداشته و هنوز ندارد.

اما این در مورد نیروی رهبری بعنوان لوکوموتیو قطار انقلاب و نه جنبشی بریده شده از جامعه، اندکی تفاوت دارد و ما با تناسبی معکوس از بدنه مواجه ایم. درارتباط با نیروی رهبری و پیشرو ما **کیفیتی** داریم که هنوز شکل **کمی** متناسب با خود را پیدا نکرده و تا زمانی هم که این سر و بدنه به یک مجموعه هارمونیک تبدیل نشود به تنهایی با هر افق و دید عالی هم که داشته باشد کاری از پیش نمی‌برد، همانطور که مردم بدون این رهبری اساساً نخواهند برد. بهترین و عالی‌ترین ایده‌ها و تئوری‌ها تا زمانی که در روند پراتیک انقلابی خود را به چالش نکشیده و اعتبار علمی خود را به آزمون نگذارند در بهترین شکل خود نمودار رمانتیسمی خواهند بود که در ادغام با ایده آلیسم ذهنی برای التیام زخم‌های کهنه حقارت تاریخی انسانی، در پس توی انزوا ذهنیت خود به ویرایش فکری قضا و قدر می‌پردازد. آنچه که ما تاکنون بعنوان تئوری‌های معتبر انقلابی در دست داریم در حداقل خود، ثمره بیش از دو قرن مبارزات بی‌امان

ستم‌دیدگان و زحمت‌کشان تاریخ بوده که اعتبار خود را از چندین انقلاب بزرگ تاریخ گذشته کسب کرده است و بدون این کنش‌های اجتماعی، شکل نمی‌گرفت و در حداکثر خود به پاورقی از کتاب تاریخ مدارس بورژوازی تبدیل میشد. مدعی رهبری بودن با **رهبری کردن** تفاوت دارد و تا زمانی که این ادعای بالقوه به نیروئی بالفعل تبدیل نشود در همان سطح نظری باقی مانده و تا جایی که میدانم تاریخ با ادعا تغییر نکرده بلکه برای تغییر آگاهانه و هدفمند آن همیشه به نیروی مادی نیاز بوده تا این مطالبه را به شکل روابط جدیدی در جامعه حاکم سازد. حتی اگر پشتوانه و ضمانت این دعوت، علم و دانش و تاریخ و فلسفه باشد. رهبری باید آگاه و پیشرو باشد، ولی این الزماً به معنی این نیست که هر پیشرو یا پیشاهنگی رهبری است. **رهبری رابطه ایست که شاخص آن را اندازه‌های قدرت تأثیر گذاری مادی و ذهنی اجتماعی هر نیرو یا مدعی این رهبریت در جامعه تعیین و مشخص میکند.** رابطه‌ای که در مورد مشخص ما بین مردم یا طبقه با قطبی که داعیه رهبری آنان را دارد، برقرار می‌شود.

"چه باید کرد" و نه "چه باید گفت"! وظیفه ما **فقط** تفسیر و تعریف جهان نیست بلکه آنچه که ما را بعنوان نیروهای کمونیست از دیگران متمایز می‌سازد همان وظیفه تغییر این جهان ستمزده است و نه تئوری بافی‌های ایده آلیستی که بدون در نظر گرفتن کنش انقلابی برای امر تغییر و رهائی جهان از فلاکت جوامع طبقاتی صورت گرفته و می‌گیرد. ایده

عالی و لازم و باید آن را داشته و مدام تولید کنیم، ولی ایده آلیسم خیر. با ایده‌ها می‌توان معجزه آفرین بود ولی معجزه‌های سوسیالیستی-کمونیستی بستر مادی در جامعه و در نهایت حکومت و دولت میخواهند تا ما تبدیل به نیروهای امداد صلیب سرخ تاریخ نشویم!

با این مقدمه بد نیست تا نگاه دوباره‌ای را به وضعیت و موقعیت نیروهای مدعی رهبری و نیروهای رهبری شونده جامعه انداخته تا شاید با ارزیابی از آنها در شرایط کنونی، درک روشن‌تری از وظایف خود در این رابطه پیدا کنیم. یعنی یکبار رابطه ما با طبقه و مردم و دیگری رابطه ایست که نیروهای انقلابی پراکنده جنبش کمونیستی و کارگری باید به مثابه یک کلیت با یکدیگر داشته باشند. اجازه دهید که این بار نقش رهبریت طبقه کارگر در جامعه را، در ارتباط با رهبریت کمونیستی در یک مجموعه خلاصه کرده و برای طولانی‌تر نشدن نوشته از پرداختن به جزئیات تفاوت این دو جایگاه در عمل، صرف نظر کنیم.

نیروی رهبری و (طبقه-مردم)

ما تا حدود زیادی پیکره اصلی جبهه مردم و بخش‌های ستم‌دیده و زحمتکش آن را در جامعه می‌شناسیم و با متحدین طبقاتی و سیاسی و اجتماعی پرولتاریا در این مرحله آشنائی داریم. بسیاری خوشبختانه امروز به پتانسیلهای جامعه زنان بر اثر ستمی‌های همه‌جانبه‌ای که بر آنها وارد میشود پی برده و اهمیت این نیروی عظیم اجتماعی را در روند انقلاب و دوران گذار درک کرده‌اند. با وجود کم و کاستی‌های موجود

در ارتباط با تعریف طبقه کارگر برای تشخیص این نیروی عظیم اجتماعی در جامعه، جنبش کمونیستی و سوسیالیستی در مجموع گام‌های خوبی را به جلو نهاده است که تصویر غلط مردانه پرولتاریا را هر چه کم رنگتر کرده و می‌رود تا مفهوم و درک کامل تری را از این نیروی اجتماعی جمع‌بندی کند. به لطف تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری از روشنفکران انقلابی و آلترناتیو، امپریالیسم دیگر همان معادل برابر و یک به یک عمو سام ۶۰ سال پیش نیست و ما شناخت وسیع‌تری از این ماشین عظیم جهانی غارت و چپاول و تقسیم کار امروزی آن پیدا کرده ایم. تقسیم کاری که حکومت‌های و دولتهای ارتجاعی بومی را در این ماشین غارت و چپاول ادغام کرده و بعنوان کارگزاران و پاسداران روند انباشت سرمایه به اشکال مختلف سیاسی و اقتصادی تحت سیادت سرمایه داری جهانی، بکار میگیرند.

بر این بستر، سوال اینجاست که جنبش کمونیستی و کارگری وظایف خود را چگونه تعریف کرده و از چه منظری به جامعه مینگرد؟ نیروئی که میخواهد تمام جنبش عمومی ستم‌دیدگان و زحمتکشان جامعه را مخاطب خود قرار داده تا آنها را حول **منافع تاریخی پرولتاریا** متحد سازد، یا یک مجموعه که وظایفش را فقط در رابطه با طبقه کارگر به مثابه تافته جدا بافته ای از جامعه تعریف کرده و اگر نیم نگاهی هم به بقیه جنبش‌های عمومی ستم‌دیدگان جامعه دارد از موضع منافع فوری و روزمره آنان برقرار میشود؟ خلاصه اینکه تا ما جایگاه و نقش تاریخی خود را در این میان روشن نساخته و ندانیم هنوز "کجای کاریم"

مسلم است که نمیشود ارتباط برقرار کرد. یعنی میشود ولی نادرست و به قیمت هرز دادن نیرو و دامن زدن به خرده کاریهای نافرjامی که اکثراً در نطفه خشکیده یا مانند حبابی در هوا می‌ترکند. نقطه عزیمت نیروهای کمونیست **منافع تاریخی پرولتاریاست** و از منظر این طبقه و منافع و نقش تاریخی او باید وظایف خود را با کل جامعه زحمتکشان و ستم‌دیدگان تعریف کند. قصد کندن طبقه را از بقیه جامعه ندارم و نه میتوانم و نه میشود این طبقه و جنبش کارگری را از جنبش‌های عمومی دیگر جدا کرد. این امر شدنی نیست و در زندگی واقعی در هم گره خورده و مدام در جامعه تقاطع پیدا میکنند. همه اینها درست و سخن هم این نبود، بلکه این است که با وجود تمام تغییرات سرمایه داری تاکنون هنوز پرولتاریا به مثابه یک طبقه، سوژه انقلابی در جوامع سرمایه داری بوده و دولت و دیکتاتوری او باید جامعه را در دوران گذار و سوسیالیسم تا رهائی کل جامعه بشری رهبری کند. هنوز سوژه انقلابی دیگری در جامعه سرمایه داری نتوانسته این نقش تاریخی را بی اعتبار یا ساقط سازد. در این **میان زنان زحمتکش و ستم‌دیده از انقلابی‌ترین و پیگیرترین لایه های این سوژه انقلابی هستند** و این باید بطور عملی نیز در نظر گرفته شده و در جستجوی پرولتر گاهی نیاز نیست که از پاشنه در خانه هم دور شد. با این وصف در شرایط کنونی جهان و ایران وظایف ما چیست و چه باید کرد؟

به عقیده من وظیفه اصلی جنبش کمونیستی و سوسیالیستی و فعالین

پیشروی آن چه در داخل و چه در خارج با در نظر گرفتن مصیبت‌های فراوانی که به جان خریده اند، در حله اول تلاش هر چه سریعتر برای بوجود آوردن **هسته های مخفی و غیر علنی سرخ کمونیستی** در جامعه است. با در نظر گرفتن شرایط جهانی و دو ساله اخیر ایران این امری امکان پذیر به نظر آمده و کشیده شدن بخش قابل توجه ای از نیروهای شورشگر جامعه در مبارزات خودبخودی و خود انگیزه اخیر به میدان مبارزات علنی- نیمه علنی و مخفی در پناه فضای ملتهب عمومی جامعه و سراشیبی که برای حکومت پاگرفته است، مقدمات این کار را فراهم کرده است. بستر و پلاتفرم این هسته ها علم کمونیسم و منافع تاریخی پرولتاریاست و پایگاه های طبقاتی کسانی که جذب این هسته ها میشوند. نقشی را در اینجا بازی نمیکند. در اصل تفاوتی ندارد که این عنصر آگاه کارگر است یا بقال و چقال- دکتر و مهندس یا ارتشی! دانشجوی کمونیستی که از یک خانواده مرفه متوسط برخاسته، در این جمع کمونیستی طبقه ندارد و این علم رهائی بخش و منافع تاریخی پرولتاریاست که او را به فعالیت برای امر تغییر به پیش میبرد. او **روشنفکر کمونیستی است که خود در حین فعالیت برای این اهداف به عالی ترین تجسم این منافع تبدیل میشود**. هسته هایی هر چند در گام اول کوچک و محدود، ولی باور داشته باشید که همین هسته ها در بستر روزهایی که مردم در خیابانها بدنبال راهکار می جویند هر کدام بنیان گذار گردانهای قهر آمیزی خواهند شد که مقرر ها و سنگرهای مقاومت دشمن را

یکی پس دیگری درهم میشکنند. روزهای بهمن ماه ۵۷ را به یاد آورده و فراموش نکنیم که در کنار ضعف نیروهای چپ، وجود همین هسته های نیروهای ارتجاعی اسلامی عاملی بزرگی شد تا عرصه عملی انقلاب را اسیر و به انحصار ذهنیت باند رهبری آنان کشانده و زمینه را برای ورود نکبت و فلاکت به ایران، فراهم کنند. یا تصور کنید که اگر ما دارای چنین هسته های متعددی در شروع حوادث خونین ۸۸ بودیم اینک در کجای کار بودیم؟ تصور کنید که در خلال این طغیانهای فعلی جهان ستمدیدگان این هسته ها چه نقش سرنوشت سازی را میتوانستند بازی کنند و چگونه روند اعتراضات و شورشهای مردم را به مسیر انقلاب و تغییر بکشانند و بدینسان آلترناتیوی انقلابی در برابر ترفندها و مانورهای سرمایه داری جهانی به مردم ارائه دهند.

اوضاع جهان و ایران بحرانی است و جدیت بیشتری را به موازات خود از ما طلب میکند. تحت هر شرایطی ما به این پایگاه هایی که شکل گرفته یا میگیرند احتیاج داریم و باید قادر باشیم روی پای خودمان بمانیم. هسته هایی که قادر خواهند بود سازماندهی های عملی و رهبری طبقه و مردم را بر بستر شرایط ملتهب و آشفته بازار جهانی و حکومت های مطلقه ارتجاعی بر عهده گرفته و آنجاست که ارزش های کادرهای تعلیم و آموزش دیده کمونیست در تمامیت خود بکار می آیند. حتی یک نیروی که اینک جذب این هسته ها میشود و با کادر های مجرب و آگاه در مدرسه عملی و ذهنی با سرعتی بیش از سرعت خود

تحولات امروز آزموده میشود، در روزهای سرنوشت ساز میتواند هزاران نفر را سازماندهی و رهبری کند. ایجاد و گسترش این هسته های سرخ در داخل کشور یکی از مرکزی ترین وظایف همهء ماست و این ستونهای است که جنبش کمونیستی باید برای خود در نظر داشته باشد. این راهکردی است که ما در ارتباط با طبقه و همچنین در ارتباط با عموم ستمدیدگان جامعه بایستی برای خودمان در نظر بگیریم. اینگونه هر نیروی مستعدی در هر طیف و لایه اجتماعی، پتانسیلی است برای ایجاد و گسترش این هسته های مخفی. نباید حتماً اینها شناسنامهء کارگری داشته باشند. اینگونه تصور کنیم که این هسته ها پاره ای از جنبش کمونیستی (بطور مشخص حزب کمونیست) هستند که در آنجا سنتز میشوند و دوباره در کیفیت عالی تری در صحنهء عملی مبارزات طبقاتی تبیین یافته و بازتاب می یابند. شکل کمی و فیزیکی و موجودی این هسته ها امری نیست که بتوان با تجویز یک نسخهء کلی به آن پاسخ گفت و بستگی به شرایط مشخص و مسائل امنیتی و موضوعی این هسته های غیرعلنی دارد. اینکه در روند فعالیت، هستهء اولیه خود به سه یا چهار هستهء دیگر تبدیل میشود یا مثلاً... همه و همه تصمیمات در صحنه بوده و باید با در نظر گرفتن شرایط مشخص موضوع گرفته شوند. طبیعی است که با گسترش این هسته ها هر بار نیازها و ضرورت های جدیدی بوجود می آیند که از حالا نمیتوان به آنها پاسخ گفت. ولی فاکت این است که این هسته ها هر بار با شکستن سدهائی

که در برابر انقلاب قرار دارند یا ساخته میشوند، خود نیز ارتقاء یافته تا زمانی که روابط و شکل سازماندهی و سازمان یابی موجود نیز منطبق با شرایط نوین این هسته ها نیاز به تغییرات جدیدی داشته باشند.

این امر بطور مشخص در ارتباط با خود طبقه کارگر هم صدق میکند. اینجا هم باز ما با همان وظیفه سرو کار داریم ولی مخاطب پرولتاریاست. بینش علمی ما به این طبقه و تعریف آن باز اینجا کمک بزرگی برای ماست. زیرا که دیگر گردن ما مانند دین زده های متوهم به زریخ هیچ امامزادهء کارگری و کارخانه ای بسته نشده و پرولتاریا را ما همه جا میتوانیم پیدا کنیم. در حاشیه شهر و در کوچه و خیابان و مکانهایی که به جای بوی نفت و بنزین، بوی لجنزار محلهء مخروبه نشینیان زحمتکش و ستمدیده به مشام انسان میرسد. ما مجبور نیستیم پشت کارگر عسلویه صف کشیده تا اجازهء ورود به کارخانه را داشته باشیم. ما برای ارتباط با پرولتاریا نباید حتماً کارت ورد به کارخانه بزنیم و با کلاه های ایمنی زرد و سبیل های پر پشت و با صورت گازوئیلی ریشه های کارگری کمونیستی خودمان را ثابت کنیم. نمیگم این بد است و باید از آن حذر کنیم. خیر، منظور این است که این تمام واقعیت موجودی پرولتاریا نیست و طبقه هم در منافع و هم در تعریف سوژه ای ای خود وسیعتر از دید کارخانه ای و مردانهء برخی از درکهای محدود از این طبقهء گستردهء اجتماعی است که دهها میلیون نفر را با اشکال مختلف در مدار و روابط خود در جامعهء ما جای داده است. تا جایی که من میدانم ما

نمیتوانیم بطور مستقیم به دلایل منطقی بسیاری وهمچنین محدودیتهای که برای نیروهای انقلابی کمونیست موجود است، اثر مستقیمی بر اشکال علنی مبارزات بگذاریم و به همین دلیل اغلب لانه ای برای جریانات راست و لیبرالی میشوند. ولی وجود هسته ی غیرعلنی فعالی که در محدوده یا در بین صفوف بدنه این طیف وسیع موجودند، اهرمی است که میتواند موازنه را از درون این جریانات با فشار از پائین با تمام امکانات موجود تا حدی به نفع انقلاب تغییر دهد. مضاف بر اینکه در حین روند همین فشار از پائین خود این هسته ارتقاء کیفی و احتمالاً کمی و عرضی پیدا میکنند و میتوانند متقابلاً دوباره در سطح عالی تری بر این مبارزات تاثیر بگذارند. نحوه این فعالیتها و فشارهای از پائین جزئیاتی است که باز به اطلاعات در صحنه نیاز دارد و نمیشود کپی برداری و کلی گوئی کرد. عملکرد و سیاستهای نیروهای انقلابی نیز از بیرون این معادلات یعنی از طرف جنبش کمونیستی و سوسیالیستی، فشار افزوده ایست که در هماهنگی با سیاستهای هسته های سرخ اعمال میشود و باید با آنها همسو باشد.

البته که وجود چنین هسته هائی در روند تولید بخصوص در صنفاى مختلف و صنایع پایه ای که تعداد زیادی از کارگران در آن شاغل هستند، امتیاز- کمک بزرگی است که میتواند گاهی نقش سرنوشت سازی را در اجرای برنامه های هدفمندی مانند اعتصاب بازی کند یا بتواند روند مبارزات تشکیلات علنی کارگران را در خدمت انقلاب رادیکالتر کرده و به وظایفی پردازد که معمولاً این تشکیلات نمی توانند به سبب شکل علنی

کاری خود بر عهده گرفته و انجام دهند. این دو سطح متفاوت مبارزاتی کمی و کیفی پرولتاریاست که نه تنها همدیگر را نفی نمی کنند بلکه لازم و ملزوم یکدیگرند و عدم این رابطه، جدائی است که فقط برنده اصلی آن طبقه- دولت سرمایه داری بوده و خواهد بود. امیدوارم که نیروهای پیشروی که در چهارچوبهای این تشکیلات مستقل فعال هستند به اهمیت حیاتی وجود این نیروها و ارتباط برای سازماندهی مبارزات هدفمند و انقلابی پرولتاریا که بر گرفته از منافع تاریخی این طبقه است، پی برده و به جای مقاومت در برابر این پروسه، قدمهای جدی و رفیقانه ای را در این راستا و برای خدمت به امر مشترک انقلاب بردارند.

برای تشکیل این هسته ها در چنین مجموعه های کارگری ما میتوانیم از بیرون کارخانه هم با کارگران ارتباط برقرار کنیم. یعنی در صف نان و گوشت، تو اتوبوس یا تو محله و همسایه و سر بازار و... خلاصه این کارگر که همیشه سر کار نیست و بخش عمده وقتش را بیرون از کارخانه بدنبال بازتولید نیروی از دست رفته و حل معضلات رنگارنگ دیگر زندگی فلاکت بار خود میگذراند. حتی یافتن یکی یا دو نیروی اینچنینی در بین کارگران یک کارخانه- صنف- حرفه- صنعت و... باز خود هسته کوچکی است که رشد و گسترش و قدرت تاثیرگذاری آنها بستگی به کار و زحمت و شرایط مشخص موجود این مجموعه ها دارد که اگر در حداکثر خود با حمایت و در حداقل خود عدم مشکل سازی و کار شکنی نمایندگان علنی و تشکیلات و نهادهای مستقل کارگری صورت گیرد، با بازدهی بسیار بالاتری برای هر دو طرف فعالیت و در نتیجه طبقه

کارگرمراه خواهد بود. من مایلم بطور مشخص در کنار تمام فاکتورهای بالا باز جامعه زنان را بطور مستقلی نام ببرم که بسیار رادیکالتر و مستعدتر برای جذب این علم رهائی بخش هستند و تفکرات و ایده های سنتز شده ما نسبت به مسئله زنان این امکان را فراهم کرده تا بخش رادیکال و پیشروی آنان مصمتر جذب این هسته های انقلابی شده تا با منافع واقعی خود در پرتو افق های سوسیالیستی و کمونیستی آشنا بشوند.

جنبش چپ و کارگری

اینجا بخشی است که کمی پیچده تر بوده و اکثر ابهامات و ناروشنی ها هم در این محدوده، ما و جنبش را دچار نا رسائی و ناکارائی کرده است. یعنی ما اینجا با طیفی از گرایشات مختلفی به نام کمونیسم و سوسیالیسم سر و کار داریم که از شیفتگان قانون اساسی سازمان کار جهانی و نهادهای امپریالیستی گرفته تا تشکیلات مستقل و علنی کارگری و احزاب و نیروهای کمونیستی و سوسیالیستی، تشکیل شده اند.

با یک طیف ناهمگون روبرو هستیم که برای شناخت راهکردمان باید اول مرزبندیهای کنونی خود را با آنها بهتر بشناسیم. یک چشم انداز کلی که محدوده رابطه یا عدم رابطه ها را که در هر صورت با در نظر گرفتن مواضع خطی صورت میگیرد برای ما روشن شده باشد. اینکه ما بدانیم در چه محدوده و چارچوبه هائی میتوانیم بدنبال همکاری و همیاری و برنامه های مشترک جستجو کرد. یک مرزبندی کلی از نیروهای موجود بر اساس این

هدف، نمیشود کار را به روند حوادث سپرد و ما فقط واکنش نشان دهیم. باید نیروهای را که بعنوان پتانسیل های واقعی همکاری و برنامه ریزی هدفمند کوتاه مدت هستند از دل این جنبش نتیجه گرفته و به پای عمل و فعالیت سازمان یافته و آگاهانه برای تدارک انقلاب رفت. منظور این نیست که باید تمام برنامه و بندهای این همکاریها از قبل روشن شود، این اصلاً امکان پذیر نیست ولی پتانسیلهائی در جنبش موجودند که بسیاری از فاکتورهای ایدئولوژیکی- خطی و دیدگاهی و حتی تاریخ مبارزاتی مشترکی دارند و میتوانند با قرار دادن مقوله انقلاب در دستور کار فوری مشترک سرآغاز جانانه و نوید بخشی را دامن زنند.

با وجود تمام توضیحات بالا راجع به "هسته های کمونیستی سرخ" باز ما میدانیم که هیچ نیروی به تنهائی و با این کمیت فعلی نمیتواند سکان انقلاب را به تنهائی در دست گرفته و اینگونه تصور رهبری انقلاب هم کمی خیال بافی به نظر میرسد. حتی تصور ظروف فعلی احزاب و سازمان های موجود را هم به نظر من با در نظر گرفتن افق های کمی بلندتر و شرایط آینده، نمیشود مطلق کرد و شکل و فرم هم باید تغییر کرده و میکند. این دست ما نیست و قوانین دیالکتیکی حرکت، این تغییرات را خواسته یا ناخواسته بر تمام این اشکال موجود فعلی تحمیل خواهد کرد. پس چرا ما باید در هر دوره و مرحله با وجود آگاهی به اینها خودمان را بطور مطلقاً مقید اشکال خشک و غیر انعطاف پذیری کنیم که بسیاری از آنها یا تغییر شکل داده یا ادغام میشوند یا فردا به ضرب قوانین انقلاب بی اعتبار- محو و ناپدید میشوند؟ این انعطاف با تغییرات تاکتیک تبلیغاتی که در ۲۴

ساعت ۲۴ بار تغییر میکند تفاوت داشته و افق بلندتری را در نظر دارد که تمام تجربیات انقلابات گذشته مهر درستی و اعتبار به آن زده اند.

رفقا، این جنبش کارگری و کمونیستی ماست. به اصطلاح بخش پیشرو و آگاه انقلاب! خوب یا بد این بضاعت فعلی ماست و جهان پیرامون بنا به میل ما نیست. اگر در آینده امام دیگری ظهور کرد در همان آینده هم به آن میرسیم. ولی تا آنزمان فعلاً ما با همین نیروها سر و کار داریم و نه می توانیم و نه اجازه داریم که منتظر ظهور سیمرغ رهبر شویم. این رهبری باید ساخته و پرداخته شود و هدیه غیب نیست و هیچ کس و نیروی رهبر زائیده نشده است. پس در این راستا چه باید کرد؟ یک مهر باطل کلی به همه نیروی غیر خود زده و خیال خود را راحت کرده تا بدانیم که امیدی به دیگر مرغان نیست و باید هر مرغی جداگانه با امکانات و آنچه که خود در توان دارد، تک و تنها در جستجوی سیمرغ رهبری در نوک کوه قاف، در جهات مخالف و متضادی به پرواز درآید؟ دست روی زانو های خود گذاشته یا سکتاریسم گفته و فقط خود را جلوهء سیمرغ کنیم؟ تا کی و اگر این دور و شرایط مساعد جهانی و داخلی نه پس کی دیگر؟

یا باید بنا به شناختی که هر یک از این مرغان انقلاب از خود و بقیه نیروهای تشکیل دهنده این جنبش داشته، بخش انقلابی و قابل اتکا آنها را برای چنین راهکردی بیرون کشیده و با اراده واقعی برای دامن زدن به روند همکاری و اتحادهای موقتی و برنامه ای، زمینه ها را برای ارتقاء دیالکتیکی و گسترده تر این فعالیتهای نه چندان اولیه فراهم کنند؟ طبیعی است که بعد برمیگردیم سر این مسئله

که این نیروها کدامند؟ این مسئله ایست که ربط مستقیم به راهکار و سیاستهای تشکیلاتی و نیروی رهبری آنان دارد. این رهبری باید این مرزبندیها را مشخص کرده و محدوده این ارتباطات را بنا به شناخت از خود و دیگران حداقل در خطوط کلی روشن سازد. این انقلاب است که در مرکز فعالیت های ما نشسته و باید در نظر گرفته شود و منافع آن در دستور کار ما قرار دارد.

ما به عینه شاهدیم که حرکت تاریخ منتظر ما نمانده و ما نمیتوانیم به بهانه اینکه آماده نیستیم عقب بکشیم و پشت افق های بلند مدت پنهان شویم. نمیشود با این پندار رایج که چون من حقیقت را میدانم و از آنجاکه شرایط با میل من نیست و نمیتوان بر مبنای این حقیقت مطلق من انقلاب را به پیش برد، کنار کشیده تا شریک جرم شکست انقلاب نشوم. در غیاب ما و خلاء رهبری انقلابی، امپریالیسم آن میکند که ما در مصر و تونس و لیبی حتی با وجود مسلح شدن مردم در حال انجام آن است. این موقعیت ها را باید جدی گرفت و نیروها را بنا به نیازها و ضروریتهای انقلاب سازماندهی داد تا شورشهای حق طلبانه مردم و طبقه عاملی برای پیشبرد سیاستهای سرمایه داری نشده و هر بار به توپ بازی بورژوازی تبدیل نشوند. بیش از سه دهه است که ما با چنین روندی روبرو هستیم و نتیجه این وضعیت و موقعیت حاشیه ای ما در مقطع کنونی است. وضعیت و موقعیتی که در خوش بینانه ترین شکلش هم نمیتواند در این شرایط حساس و سرنوشت ساز از کوچکترین تاثیر گذاری بر روند حرکت جامعه سخن گوید. فراهم سازی شرایطی که این همکاریهای

بدان نیاز دارند کاری است که در سطح رهبری و به شکل کلان باید بدان پرداخت تا به خرده کاری کشیده نشویم. این مسئله ایست که باید در میان رهبری این نیروها مشترکا نتیجه گیری شده تا بتوان حداقل در چنین شرایطی یک مراسم تاثیر گذار روز جهانی کارگر را نه در سطح یک بیانیه مشترک در دنیای مجازی، بلکه عملکردی هدفمند و آگاهانه سرو سامان دهیم. باید بی حسی را کنار گذاشت و به پای این همکاری ها رفت. نترسید، با ایزوله کردن خود، رشد نمیکنیم و نمیتوان تداوم و تکامل داشته باشیم. باید خود پیشگام شد و منتظر کارت دعوت نماند. باید نیروها انقلابی را به پای این میز مشترک کشاند. باید برای شروع، برنامه های حداقلی را، حداقل برای کمترین همکاریها در این شرایط حساس- سرنوشت ساز و

بحرانی تنظیم کرد. بعد خواهید دید که حتی زمینه کار و فعالیت در دل همان مجموعه های علنی نیز مساعدتر شده و بسیاری از درهای قفل شده دیروز خودبخود گشوده شده و محدودیتهای دست سازی که به لطف برخی از دوستان طبقه کارگر دیروز و امروز از این ارتباطات حیاتی جلوگیری میکنند، بر طرف شده یا به عقب رانده میشوند. این رویکردی است که باید خطوط کلان و کلی آن را، رهبری این نیروها مشخص کنند.

رفقا سرمایه داری جهانی امروز مانند مار بوائی است که طعمه بزرگتر از معده خود بلعیده است. در این شرایط مار سرمایه داری آسیب پذیر ترین و خطرناک ترین ایام این گوارش را گذرانده و قابلیت های همیشگی مانورهای خود را ندارد و با محدودیتهائی روبروست که

حاصل بلعش دیوانه وار خود اوست، به طوری که حتی طعمه های همیشگی و بی دفاع هم قادرند ضربات کشنده ای به او وارد کنند. جامعه سرمایه داری جهانی در حال حاضر هم همین وضعیت و موقعیت را دارد و هضم بیش از سه دهه انباشتی که نئولیبرالیسم و قانون وحشی بازار سفره خونبار آن را برای او پهن کرده است، می بینید چه آشوبی و دغدغه ها و آشفتگی بازاری را برای او فراهم کرده است. نباید منتظر شد تا این مار زخمی طعمه خود را هضم کرده و با حرص و ولع بیشتری به شکار طعمه های دیگر و طعمه های انسانی بپردازد.

تا فرصتی دیگر
...راوی

شانزدهم فروردین ۱۳۹۰ برابر با
پنجم آوریل ۲۰۱۱

زنده باد اول ماه مه روز نبرد و همبستگی طبقه کارگر جهانی!

کارگران جهان متحد شوید



لشکر به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

نامه ای به یک رفیق. این نامه برای یک رفیق انقلابی در جهت تقاضای برنامه ریزی های لازم برای پیشبرد اهداف انقلابی نوشته شده است. با توجه به این که این نامه روی صحبتش عمومی است و تمامی رفقای انقلابی می توانند مخاطب این نامه باشند آن را با حذف برخی از نقاط خصوصی به انتشار عمومی می گذاریم باشد که در روشن شدن و رهیافت رفقا ثمر بخش شود به امید چنان روزی

کمیته آموزش جبهه واحد کارگری

نامه ای به یک رفیق

سلام رفیق عزیز

جدایی بسیاری از رفقا از یکدیگر ، همه فعال بودیم ولی از فعالیت مثبت یک دیگر اصلاً اطلاع نداشته و نداریم شاید برخی فکر می کردند ما یا دیگری فعالیت نمی کنیم یا مسیر را عوض کرده است ما نیز متقابلاً چنین بودیم. در حالی که همه ما بشدت دوییدیم اما نتیجه چیست؟ همچنان در بر، همان پاشنه می چرخد. این همه اعتراضات صورت گرفت و ما در خیابان بودیم فریاد هم زدیم اما فقط خود شنیدیم و شما هم نوشتید برنامه ریزی کردید اما فقط معدود ... و فعالینی که بیشتر پای اینترنت بودند و خیابان آمدنشان نیز به حساب و حتی بیشتر مواقع با رهبری جناح های سرمایه داری بر قرار شده است. از همه این مواردی که ما در میان خود نقد کردیم نتیجه بدست آمده این است که علت گرفتاری در خورده کاری است البته نه فقط ما بلکه حتی احزاب "بزرگ" که لیبرهایشان باد در غیب غیب می اندازند و ادای ولایت فقیه سکولار را در می آورند نیز گرفتار همین خورده کاریند منتها خورده کاری آنها آنقدر بیشتر و گردو خاک زیادی

نمی توان به صورت پراکنده و خورده کاری در مقابل انسجام جهانی سرمایه که به مدرن ترین تکنولوژی و ابزار ها و روش و سبک های علمی مجهز است مبارزه کرد که در این صورت حتی صدا را به نزدیک ترین رفقا نیز نمی توان رساند. فکرش را بکنید محفل های مختلف و پراکنده هر کدام بطور متوسط روزی حداقل دو مطلب نوشته منتشر می کنند و حال اگر روی هم رفته ۲۰۰ محفل وجود داشته باشد روزانه می شود ۴۰۰ مطلب و هیچ کس نمی تواند چنین حجمی از مطالب را بخواند و از میان آنها مطالب بدرد بخور را جذب کرده یاد بگیرد بنابراین مطالب بدرد بخور نیز در میان چنین حجمی بدون تاثیر گذاری لازم ناپدید می شوند در حالی که اگر بتوان در مورد مسائل کلیدی از خورده کاری گسست و به جای تولید گسترده به توزیع یکدست و گسترده همت کرد آنگاه پیام های خوب فرصت تاثیر گذاری بر گستره بیشتری را بدست خواهند آورد. به عنوان مثال شما خوب می دانید پس از

دارد که خودشان را کور کرده و نمی بینند که در میان گرد و خاک خود فقط خودشان گم شده اند. اما ما اعتماد دارم که شما (کسانیکه) به سبک کار کمونیستی اعتقاد دارید و ایمان دارید که اگر مبارزه را علمی تحلیل کنیم ، علمی سازمانیابی شویم به صورت علمی تقسیم کار بکنیم و به صورت علمی در اشتراکات خود کارکنیم خواهیم توانست نه تنها خودمان را از خورده کاری هدایت کننده به سلاح خانه فردا نجات بدهیم بلکه باعث شروع راه جدید و هدایت بسیاری به آن خواهیم شد. این ها را می گوئیم برای اینکه اندکی از دوندگی خورده کارانه ، از بی برنامه گی ، و آنارشی بیاساییم و به نتایج بدست آمده از دوندگی های ۸ ساله در قالب خورده کاری ها نگاه کنیم و حاصل آنها را در مقابل هزینه های داده شده به دیده خریدار و کاسبکارانه سبک و سنگین کنیم و از خود بپرسیم چهار سال یا هشت سال پیش کجا بودیم و اکنون کجا ایستاده ایم؟ ما چه کردیم و دشمن چه کرده است؟ از خود وکل جنبش کمونیستی بپرسیم در قبال

خیزش توده ای ۸۸ چه کردیم؟ و ما و کل جنبش کمونیستی کجا ایستاده بودیم؟ ما نمی گوئیم فقط ما در جا زده ایم بلکه کل چپ در جا زده است سند اثبات ادعای من همین بس است که نتوانستیم در اعتراضات گسترده ۸۸ و ۸۹ دخالت بدرد بخوری داشته باشیم در حالی که با توجه به اصول و مطالبات پایه و قدمت تاریخی مبارزاتی، ما باید رهبری این اعتراضات را در دست داشتیم. پس کجای کار ایراد دارد؟

هرگز هیچ کس هیچ حزب و سازمان نمی تواند چنین میدان محکی را انکار کند که حتی هیچ کدام از ما یا احزاب و سازمانهای پر مدعا که وجودشان فعلاً "مضر حال طبقه کارگر است حتی نتوانستیم به صورت سازمانی در حد یک هسته وارد این میدان شویم تا بتوانیم حداقل برنامه های خود را محک بزنیم، این بیشتر از پراکندگی و گرفتاری ما در حوزه خورده کاری سرچشمه گرفته و می گیرد. علی رغم اینکه بسیاری از ما از همان اول هر روز در تظاهرات و بزن بزن حضور داشتیم ولی بیشتر تاثیر پذیر بودیم تا تاثیر گذار. و در خارج نیز بسیاری از رفقا تمام افتخاراتشان این بود که هر روز اخبار تازه ای را با اندکی بزرگ نمایی و کنکاش با ذره بین در درون آن اخبار و پیدا کردن رگه های چپ در اعتراضات خود را دل خوش کنند که ریشه های اعتراض چپ است یا به سمت چپ میل دارد و در رویاهای خود می دیدند که به زودی از درون اعتراضات شعار های چپ بیرون خواهد ریخت و سپس در پیشا پیش صفوف آن پرچم سرخ به احتراز در خواهد آمد اما هرگز به این فکر نمی شود که حتی اگر این رویا شدنی باشد کدام چپ چنان سازمانیافتگی لازم را دارد

که بتواند چنین روندی را هدایت یا رهبری و یا سازماندهی و برنامه ریزی کند مگر اینکه این قسمت را نیز در رویاهای خود بیافیم.

فعلاً" شاید شانس تا اینجا با مایار بوده توفان اندکی فروکش کرده و امواج خروشان کمی آرام گرفته است و ما که تلاش می کردیم سکان کشتی توفان زده را در دست بگیریم و هر لحظه با ورود موجی به کناره کشتی پرتاب می شدیم، اکنون می توانیم اندکی روی پا ایستاده دست به کمر زده به افق نزدیک توفانی نگاه کرده و در دل از خود بپرسیم وقتی دوباره وارد امواج توفانی شویم که ورودش محتوم است یا در مقابل گردابی که هر لحظه داریم به آن نزدیک می شویم باید با این بضاعت کم و نیر وهای پراکنده و خورده کاری چه کار کنیم؟ آیا نباید بدون فوت وقت سازمانیافته شویم؟

رفیق عزیز ما مانند سرمایه داری رادیو، تلویزیون، ماهواره، چاپ خانه های مجهز و مخابرات نداریم، خبرگزاری های عریض و طویل، سازمان و نهادهای تولید فکر و اندیشه و تحمیل آنها به توده ها را نداریم. پلیس، سازمانهای نظامی، نیروهای موهوم و ترساننده و وادارکننده به اطاعت نداریم، چاه نفت، جمع آوری مالیات و خمس و ذکات و مال امام و موسسات اقتصادی و کارخانجات نداریم ما دانشگاه و مدرسه، موسسات آموزشی و خدماتی نداریم اما برای پیروزی و برقراری سوسیالیسم باید با تاثیرات همه اینها که دشمن در اختیار دارد مقابله کنیم.

اما آنچه ما داریم :

۱- توده های انقلابی در صورتی که بتوانیم با آنها پیوند بر قرار کنیم.

۲- ایمان و اعتقاد به

سوسیالیسم و کمونیسم که می دانیم تنها راه نجات طبقه کارگر و تمامی بشریت است.

۳- فداکاری و ازجان گذشتگی، اراده و استقامت، صداقت، جسارت و شجاعت و مجهز به علم رهایی

۴- جبر تاریخی بر مبنای تضاد کار و سرمایه

۵- تجربه هزاران ساله مبارزات تاریخی طبقاتی همه انسانها و همچنین تجربیات ۲۰۰ ساله طبقه جهانی کارگر و تجربه ۱۰۰ ساله مبارزات طبقه کارگر ایران و همچنین تجربه ۳۲ ساله زنده و بی وقفه در جریان و تاثیر گذار و باز تجربه ۸ ساله تلاش و کوشش مستمر و رشد یابنده سال های اخیر.

۶- ایمان و اعتماد به یکدیگر

۷- همچنین نیروهای بسیار زیاد ولی پراکنده

رفیق گرامی حاصل جمع بندی شده تمامی این تجربیات، داشته ها و نداشته ها دارایی های دشمن و نیاز های مبارزاتی ما به ما می گوید باید از خورده کاری جدا شده و با برنامه ریزی دقیق و متمرکز هر کسی را در جای خاص خود گذاشته و تمامی بخش های موجود را در یک بلوک سوسیالیستی تا بر قراری یک حزب واقعا" کارگری با دقت پیش برد. و از هر قسمت یا افراد به حد توانشان کار خواست. فقط در این صورت می توانیم امیدوار به افقی باشیم که برای عبور به سلامت و پیروزمندانه از امواج توفانی است که کشتی ما هر لحظه به آن نزدیکتر می گردد. اکنون باید سازماندهی کنیم

تسلط داشتن بر سکان این کشتی توفان زده فقط با تشکیلات پولادین ممکن است نه با این احزاب پاسیو، ما این احزاب و سازمان های موجود را حجم های پر از پتانسیل میدانیم که چند نفر انگشت شمار اگر دارای برنامه دقیق و کمونیستی باشند می توانند تمامی آن پتانسیل ها را حتی ... در جهت انقلابی به کار گیرند. و حال اینکه از نظر ما هیچ کدام از این احزاب و سازمانها این کاره نیستند. در نهایت اعتقاد داریم تشکیلات پولادین به سیاهی لشکر ربطی ندارد بلکه به ارتباطش با پایه های توده ای و برنامه های انقلابی همچنین به اصول اعتقادی و پراتیک انقلابیست بستگی دارد و چنین تشکیلاتی با دست روی دست گذاشتن امکان پذیر نمی گردد بلکه باید آن را ساخت حتی نباید منتظر شد اول آن ساخته شود بعد شروع به فعالیت نمود بلکه در همین حال که وظایف انقلابیون حرفه ای را شروع و انجام می دهیم باید کار های ساخته شدن حزب را که خود آن کارها نیز بخشی از وظایف انقلابیون حرفه ای است به انجام برسانیم.

شاید از خود بپرسید که این همه صغرا و کبری برای چیست؟ می گوئیم همه ای این ها را می بافیم تا به شما بگوئیم :

- ۱- تا زمانی که حزب درست نشده و به سمت درست شدن آن حرکت نکردیم حتی اگر کران تا کران شعله ی سوزنده باشیم و تمامی دنیا را بسوزانیم با تمام فعالیت و دوندگی هایمان ببخشید جز حمالی و خورده کاری هیچ نکرده ایم
- ۲- باید امروز هر کدام از ما ولو یک کار کوچک اما منظم، جهت دار، با ثمرات مشترک که تحت نظر یک برنامه متمرکز طراحی و تقسیم

کار شده است انجام وظیفه نماییم.

- ۳- نباید اجازه بدهیم ابزار و تکنولوژی های جدید که در متن خود تحت تسلط روند سرمایه داری حامل ذات آنارشی سرمایه دارانه هستند باعث گسست ما از اتحاد مان باشد بلکه باید آنها را به خدمت مبارزه متحدانه خود در بیاوریم.

- ۴- باید با تقسیم دقیق کار تمامی نیروهای آواره و پاسیو را چه آنها بیکه مثلاً دارای تشکیلات هستند و چه آنها بیکه منفرد هستند را در جهت لازم مبارزه برای ساختن حزب و فعالیت های مختلف مبارزاتی البته با دقت که در روند فعالیت هرگز افق را نادیده نگرفته و در نیروهای آواره هضم نشویم بلکه آنها را به مقصد درست هدایت کنیم و همچنین بدون اینکه تنش ایجاد کرده باشیم آنها را به کار بگیریم. این عمل دقیقاً بخشی از اعمالی خواهد بود که یک حزب واقعی پیش می برد منتها در حوزه بسیار گسترده تر ولی ما می توانیم چند نفری که در کنار هم هستیم (مانند هم می خواهیم مبارزه کنیم) در گستره ای کمتر عمل کنیم تا پایه گذاری عمل اصلی حزب را شروع کرده باشیم (البته ما نام کارهای که می خواهیم قبل از ساخته شدن حزب به پیش ببریم را هنوز تاکتیک نمی گذاریم چون پیش بردن تاکتیک کار تشکیلات است اما اگر ما بتوانیم چند هسته باشیم در آن صورت دارای تشکیلات خواهیم شد پس می توانیم فراخور توان هسته های خود

تاکتیک پیاده کنیم و از احزاب و سازمانهای موجود در جهت برنامه هایمان استفاده نماییم.)

بطور مثال ما این پیشنهادها را داریم :

- ۱- بررسی کنیم که هر کدام

از ... در کدام و به طور مشخص تا چه حدی می توانند در مسیری که ما اعتقاد داریم حرکت کنند و بر مبنای برنامه ای ... و با استفاده از روابط حسنه ای که با برخی از افراد داریم در جهت و مسیر سوسیالیسم علمی استفاده کنیم و هرچه بیشتر برایشان برنامه ریزی نماییم . تا بتوانیم از این طریق صدای خود را هرچه بیشتر به افراد لازم برسانیم . همچنین باعث جذب و کمک احزاب و سازمانها در جهت بلوک شدن شویم . آنها بیشتر شان این موضوع را بیان می کنند ولی برنامه مشخصی ندارند و حتی این کاره نیستند، باید کسانی باشند که به عنوان دوست شناخته شده باشند تا آنها نترسند و از گفته های آنها استفاده کرده دستشان را گرفته پا به پا یادشان بدهند راه رفتن را، تا بتوانند از لاک و دخمه ای به نام حزب یا سازمان برای خود ساخته اند پا را بیرون گذاشته و گستره مبارزه واقعی و اشعه های خورشیدی را ببینند. رفیق گرامی این کار ها را ما باید انجام بدهیم و اگر دارای برنامه خوب و چند هسته زنده و فعال باشیم نه تنها در اجرای چنین تاکتیک های در درون

لاک بی خبری آنها حل و
هضم نمی شویم بلکه
آنها را نیز نجات داده و از
تسهیلات بسیار گسترده
ای که در اختیار دارند در
جهت انقلاب می توانیم
استفاده نماییم.

...

۲- همچنین با محافلی
کوچکتر نیز تماسهای
حاصل کردیم که بحث و
گفتگو را برای پیوستن و
برنامه ریزی و همچنین
نوشتن پلاتفرم انجام
بدهیم. که متأسفانه ...

۳- شما لازم است نظریات
خود را هرچه گسترده و
مفید در این رابطه ویا
مواردی که خود می
دانید و همچنین ... جمع
کرده بیان کنید تا بتوانیم
از یک نقطه دقیق و
حساب شده حرکت
کنیم هیچ نیازی نیست
با کار های روزمره و
ژورنالیستی زمان را

بکشیم این انرژیها حیف
است.

اگر اول از شما سوال نکردم که
آیا هنوز مایل هستید که با هم
کار کنیم یا خیر ، به این دلیل
است که شما را یک انقلابی
واقعی می دانم و یک انقلابی
نمی تواند کار اصولی انجام
دهد . فقط نباید اجازه بدهد
محیط او را در خود هضم کرده و
بلعد . فکر می کنیم اطراف
شما را لیبرال های چپ گرفته
اند که این می تواند بسیار خطر
ناک باشد اما با توجه به
تعریفهای که از افراد دیگر در
رابطه با شما شنیده ایم ما به
شما ایمان داریم که در محاصره
آنها نیز می توانید همچنان
انقلابی باشید.

در کنار کارها و استفاده این
چنینی لازم است هرچه زودتر
محافل کوچک و افراد منفرد را
نیز به وسط گود مباحثات
بکشانیم . البته می دانم بسیار
سخت است چون خودمان در

میان چنین گودی هستیم ولی
باید بگویم قرار نیست کار
سخت را کسانی که برای این
کار ساخته نشده اند انجام
بدهند این کار سخت کار ما
است اگر سخت نبود تا حالا صد
ها نفر آن را انجام داده بودند .
لازم به بیان است که دامن زدن
به چنین بحث و اعمالی برای
شما بیشتر از ما ممکن است .
لطفاً دقت کنید ، اعتماد بنفس
داشته باشید ، برنامه ریزی
شده ، محکم و مستمر موضوع
را بررسی و پیگیری کنید و اگر
از ما نیز کاری ممکن است و
اینجا بر می آید برای ما هم
برنامه داشته و مارانیز در برنامه
های اجرایی یا بحث و گفتگو ها
قرار بدهید . ضمناً ...

ما منتظر جواب و برنامه های
شما هستیم.
صمیمانه دستتان را می
فشاریم
...

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

پیش بسوی ایجاد هسته ها و کمیته های مخفی و انقلابی در محل کار و زندگی

پیش بسوی ساختن حزب طبقه کارگر

سرنگون باد جمهوری اسلامی سرمایه داری

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی شورایی کارگری

سال ستیز طبقاتی به جای جهاد اقتصادی

بیانه‌ی شماره ۱ شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۱۳۹۰

در آستانه‌ی روز جهانی کارگر، اول ماه مه در سال ۱۳۹۰ قرار داریم. سالی که رهبر حاکمیت سرمایه‌داری ایران در ادامه‌ی طرح‌ها و اقدامات هر چه بیشتر برای سرکوب مطالبات و منافع طبقه‌ی کارگر و برای تکمیل برنامه‌ی سرمایه‌داری، آن را سال "جهاد اقتصادی" اعلام کرده است. اما طبقه‌ی کارگر در این سال باید بیش از پیش در مقابل این حاکمیت سرمایه‌داری ایستاده و سال ۱۳۹۰ را به سال تقویت و گسترش "ستیز طبقاتی" و "نبرد کارگری" تبدیل کند.

کارگران در ایران در بدترین وضعیت معیشتی، اقتصادی و سرکوب سیاسی قرار گرفته اند؛ قراردادهای موقت، بیکارسازی، دستمزدهای تا چند مرتبه زیر خط فقر و شرکت‌های پیمان‌کاری و قراردادهای اسارت آورشان به طبقه‌ی کارگر تحمیل می‌شود؛ با طرح حذف یارانه‌ها حاکمیت سرمایه‌داری در ایران هم‌گام و مطابق با نسخه‌های نهادهای جهانی سرمایه‌داری همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، هجوم گسترده و وحشیانه‌تری را به زندگی و هستی کارگران آغاز کرده است و هم اکنون قیمت‌های برخی اقلام اساسی تا ده برابر افزایش یافته در حالی که دستمزد ها کم‌اکان برده وارانه است و پرداخت مبالغ اندک و مضحک یارانه‌ی نقدی حتا چاره‌ی یک دهم هزینه‌ی زندگی کارگران را نمیکند؛ کارگران و فعالان کارگری و فعالین تشکلهای مستقل در جنبش کارگری به حبس، اخراج، تهدید، ارباب و بیکاری محکوم می‌شوند؛ هر گونه اعلام نظر، بیان اندیشه، اعتراض، تظاهرات و هر نوع فعالیت اجتماعی-سیاسی سرکوب می‌شود.

برای دعوت کارگران به تحمل استثمار و بردگی و از طرفی برای حفظ سودآوری سرمایه‌داران، کارگران را به "جهاد اقتصادی" دعوت می‌کنند و با استفاده از این واژگان مذهبی-ناسیونالیستی قصد تخدیر و فریب کارگران را دارند تا شاید کسی فکر کند تحمل این فلاکت "جهاد" است و لازم! نه! کارگران فریب این بازی‌ها را نمی‌خورند!

در سایر نقاط جهان نیز کم و بیش و با همین محتوا، وضعیت به همین صورت است و کارگران به صورت روز افزون به مبارزه مشغول‌اند.

در بسیاری کشورها کارگران علیه افزایش سن بازنشستگی، افزایش ساعت کار، اخراج کارگران، کاهش دستمزدها و ... دست به اعتراض و اعتصاب زده‌اند؛ درست شبیه به همپالکی‌های سرمایه‌داری اسلامی ایران، سرمایه‌داران در دیگر نقاط جهان نیز کارگران را به "ریاضت اقتصادی" و در واقع به تحمل فلاکت و نکبت موجود دعوت می‌کنند.

نظام سرمایه‌داری و دموکراسی‌های صوری و ننگین آن که عامل فقر و بدبختی، فلاکت، حبس، دیکتاتوری، سرکوب، جنگ افروزی و خرافه پروری است و به خاطر سود محوری و پاسبانی از نظام استثمار گرانه اش، امروزه در سرتاسر دنیا شرایطی بی‌نهایت غیر انسانی ایجاد کرده و موج اعتراض مردمی به مشکلات و مصائب در نقاط مختلف دنیا از جمله آمریکا، انگلیس، سایر نقاط اروپا، مصر و ... برانگیخته شده است. لازم است به کارگران و هم طبقه‌ای‌هایمان هشدار بدهیم که آنان باید اصل نظام سرمایه‌داری را آماج حملات خود قرار دهند و نه فقط جناح‌های اکنون حاکم را؛ باید به هوش باشیم که ما کارگران نباید نیروی اعتراضی و طبقاتی خود را تبدیل به ابزاری برای سرنگونی یک جناح سرمایه‌داری و به قدرت رسیدن جناحی دیگر و احتمالا "خوش رنگ و لعاب سرمایه‌داری کنیم. کارگران باید با اتکا بر نیروی طبقاتی خود و با حملات سازماندهی شده و متشکل علیه نظام سرمایه‌داری، هم به سرنگونی حاکمیت‌های موجود و دیکتاتوری‌های حاکم بپردازند و هم بتوانند نیروی طبقاتی و سیاسی خود را به جای آن حاکم کنند. در صورتی که اعتراضات و نبرد و ستیز کارگران به صورت متشکل و سازمان‌یافته باشد در کمترین حالت ممکن، آنان خواهند توانست بسیاری از خواسته‌ها و مطالبات خود را به حاکمیت‌های سرمایه‌داری تحمیل کنند.

ما کارگران برای دگرگون کردن وضعیت سیاسی-اقتصادی در ایران، به هر جنگ خارجی علیه خود نه می‌گوییم، ما هرگز تسلیم فریب و توهم پراکنی هیچ کدام از جناح‌های داخلی و خارجی سرمایه‌داری نمی‌شویم. ما به کمک و یاری هیچ دولت سرمایه‌داری اعم از آمریکا، چین، روسیه، انگلیس، فرانسه و... باور نداریم. برای ما سرمایه‌داری احمدی نژاد- خامنه‌ای- سپاه با جناح دیگر که فعلا "اندکی از قدرت رانده شده یعنی اصلاح‌طلبان و لیبرال‌ها از جمله کروی- موسوی- خاتمی و یا هرگونه سرمایه‌داری از نوع کراواتی، لیبرال، نولیبرال، ناسیونالیست، مذهبی، سلطنتی و یا هر شکل دیگری از سرمایه‌دارن فرقی نمی‌کند! ما تنها و تنها باید با اتکا بر نیروی طبقاتی خودمان و با ایجاد و تقویت و گسترش تشکلهای خودساخته و مستقل از دولت، کارفرما و سرمایه‌داران و با ایجاد و یا تقویت سازمان‌ها و نهادهای سیاسی و کارگری خود، با نبردی فراگیر علیه کلیت نظام سرمایه‌داری ستیز کنیم.

ما کارگران باید به دقت آشکال مبارزه سازمان‌یافته و متشکل خود را بر اساس شرایط و بر اساس توازن قوا انتخاب کنیم. اکنون علاوه بر مبارزات علنی، متشکل، متحد، گسترده، توده‌ای و اجتماعی و فراگیر و به موازات آن، بعضی از ما کارگران باید بتوانیم هسته‌های مخفی، کمیته‌ها و محافل مخفی را در محل کار و زندگی خود ایجاد کنیم. ما نباید تمام نیرو و امکانات خود را در معرض دید و حمله‌ی نظام سرمایه‌داری قرار دهیم.

بار دیگر تاکید می‌کنیم که برای مقابله با معضلات پیش رو، ما کارگران هیچ چاره‌ای جز ایجاد تشکلهای خود ساخته و مستقل نداریم و لازم است به افشا و مبارزه با باورهای آشتی‌جویانه با نظام سرمایه‌داری بپردازیم زیرا خواسته‌های ما با چانه‌زنی و امید و توهم به سرمایه‌داری و با مذاکره و خواهش به دست نمی‌آید!



در این راستا و در آستانه‌ی روز جهانی کارگر - یازده اردیبهشت - که روز جشن و خروش جهانی کارگران و اعلام و تجدید همبستگی بین‌المللی طبقه‌ی جهانی کارگر است، ضمن این که تمامی کارگران را به مبارزه‌ی متشکل و سازماندهی شده علیه نظام سرمایه‌داری در ایران فرا می‌خوانیم، در تقابل با نام گذاری این سال به "سال جهاد اقتصادی" توسط رهبر حاکمیت سرمایه داری اسلامی، ما سال ۱۳۹۰ را سال تقویت و گسترش "ستیز طبقاتی" و "نبرد کارگری" اعلام می‌داریم و مطالبات هشت گانه ی ذیل را به عنوان اهم مطالبات کارگران ایران اعلام می‌داریم.

ما از تمامی کارگران، فعالان کارگری، تشکلهای، رسانه‌ها، نهادها و سازمان‌هایی که به امر تقویت مبارزه‌ی طبقاتی باوردارند می‌خواهیم که با انتشار و گسترش بیانیه‌های این شورا و مطالبات هشت گانه‌ی اعلام شده، ما و مبارزه‌ی مشترکمان را یاری رسانند. به علاوه هرگونه نظر و یا پیشنهاد درباره ی مفاد بیانیه‌ها، مطالبات هشت گانه و یا هر پیشنهاد درباره‌ی برگزاری مراسم در روز ۱۱ اردیبهشت از طریق ایمیل رسمی ما () mav1390@gmail.com قابل دریافت، بررسی و اقدام است.

مطالبات هشت گانه‌ی کارگران ایران - سال ۱۳۹۰

- ۱- ما کارگران برای مقابله با قراردادهای موقت، سفید امضا و قراردادهای شرکت‌های پیمان‌کاری با اتحاد و آگاهی و با ایجاد تشکلهای خود دست به مبارزه خواهیم زد.
- ۲- حذف یارانه‌ها هجوم به سفره‌ی خالی کارگران است؛ ما ضمن گسترده کردن اقدام برای نپرداختن قبضه‌های آب، برق، تلفن و گاز از هر طریق ممکن دیگر و به صورت متحد و متشکل با این اقدام و طرح ضد کارگری مبارزه خواهیم کرد.
- ۳- ما اعلام و تعیین حداقل دستمزد ۳۳۰ هزار تومان که چندین برابر زیر خط فقر است و توسط نهاد سرمایه‌داری شواری عالی کار تعیین شده و نیز روش ضد کارگری و خائنه‌ی سه جانبه گرایی را محکوم می‌کنیم؛ در روش سه جانبه گرایی، مذاکره و توافق بین نمایندگان کارفرمایان و نماینده دولت (که همگی از طبقه‌ی سرمایه‌دار هستند) از یک سو و از سوی دیگر نماینده‌ی کارگران انجام می‌گیرد و کارگران در مقابل دو رای سرمایه داری بازنده خواهند بود. ما اعلام می‌داریم که افزایش دستمزد با خواش و توافق و مذاکره حاصل نمی‌شود. کارگران باید با اعتراض و نمایش قدرت و اعتصاب و با مبارزه‌ی متشکل و متحد دستمزدهایی متناسب با استانداردهای زندگی را به سرمایه‌داری تحمیل کنند.
- ۴- کارگران و فعالان کارگری زندانی باید آزاد شوند و ما هر گونه دستگیری، اخراج و تحت فشار قرار دادن کارگران را محکوم نموده و به صورت گسترده برای آزادی آنان مبارزه خواهیم کرد.
- ۵- ما کارگران برای دستیابی به آزادی بیان، آزادی تشکل، تحزب، اعتصاب، آزادی قلم و آزادی تمامی زندانیان سیاسی و پایان یافتن احکام ضد انسانی اعدام، همزمان با دیگر مطالباتمان مبارزه خواهیم کرد.
- ۶- پیروزی کارگران جز با اتحاد متشکل و سازمان‌یافته‌ی تمامی اقشار طبقه‌ی کارگر اعم از کارگران صنعتی، معلمان، پرستاران، کارگران بخش خدمات، معادن، کارگران کشاورزی و ... ممکن نیست. ما ضمن اتحاد با تمام کارگران ایران و منطقه و حمایت از مطالبات کارگران مهاجر در ایران از جمله کارگران افغانی، خود را متحد و پشتیبان مبارزات کارگران در سراسر جهان می‌دانیم.
- ۷- ما برای دستیابی به مطالبات اقتصادی-سیاسی خود بر علیه تمامی جناح‌ها و حاکمیت‌های داخلی و خارجی سرمایه‌داری اعم از اصول‌گرا و اصلاح‌طلب در ایران و اعم از دولت‌های سرمایه‌داری آمریکا، چین، روسیه، اروپایی و ... تنها و تنها با اتکا بر نیروی طبقاتی کارگری خود، مبارزه خواهیم کرد.
- ۸- نظام سرمایه‌داری از تبعیض جنسیتی-اقتصادی-سیاسی- اجتماعی علیه زنان بهره و سود می‌برد، همچنین کار کودکان منبع سودهای سرشار برای نظام انگلی سرمایه داری است؛ ما برای متشکل کردن هر گونه مبارزه برای دستیابی زنان به مطالبات طبقاتی خود و نیز برای تقویت جنبش لغو کار کودک از هیچ مبارزه‌ای فروگذار نخواهیم کرد.

شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۱۳۹۰
بیانیه شماره ۱ - سال ستیز طبقاتی به جای جهاد اقتصادی

۱۸ فروردین ماه ۱۳۹۰

[1mav1390@gmail.com](mailto:mav1390@gmail.com)

کمونیسم علم‌رهای انسانهاست سوسیالیسم دوران گذار به کمونیسم است دیکتاتوری پرولتاریا تنها شکل ممکن برای حاکمیت طبقه کارگر و برقراری سوسیالیسم است و لنینیسم با تکیه به اثبات تاریخ تنها و تنها گرایش مارکسیستی است که می‌تواند انقلاب کارگری را به ثمر رسانده حاکمیت طبقه کارگر و سوسیالیسم را برقرار کند.

روز جهانی کارگر را چگونه بر گزار کنیم؟

جمهوری اسلامی می داند، کارگران پیشرو، انقلابی و کمونیست ها و تشکلهای موجود در فکر برگزاری روز جهانی کارگر هستند. بنابراین او نیز از هم اکنون به دنبال مانع تراشی و اقدامات لازم خود است. پس، از همین امروز ما باید ضمن آماده کردن خود و سازمان دادن برای برگزاری روز کارگر به فکر خنثی کردن مانع تراشیها و عملیات ضد کارگری نظام فاشیستی - اسلامی نیز باشیم.

لازم به ذکر است، ما روز کارگر را به عنوان یک ابزار قوی برای دست یابی به بخشی از مطالبات طبقه کارگر می دانیم. بنابراین اولاً از هر شکل برگزاری به حد توان می شود، استفاده کرد. دوماً این ابزار وسیله مبارزه و نبرد طبقاتی است، نه جشن و سرور. روز رزم است، نه روز بزم. در نتیجه نوع سازماندهی آن در هر شکلی باید متناسب با رزمندگی طبقاتی با توجه به موارد حفظ امنیت رزمندگان سازماندهی شود.

سرمایه داری یک طبقه جهانی است. سرمایه داران کشورهای مختلف به همدیگر کمک می کنند. دقیقاً طبقه کارگر نیز یک طبقه جهانی است، که ضمن مبارزه در داخل کشور خودی باید به فکر اتحاد و کمک به کارگران دیگر کشورها، از آنها کمک نیز دریافت کند. در حالی که کارگران در تمامی جهان به عنوان یک طبقه در مقابل سرمایه داری جهانی صف آرایی کرده و میکنند، ما نیز به عنوان بخشی از طبقه جهانی کارگر در مقابل دشمن دم دستی یعنی سرمایه داری داخلی و عوامل آن (جمهوری اسلامی) در میدان رزم، مقابل سرمایه داری صف آرایی کردیم، ما می خواهیم با استفاده از ابزار روز جهانی کارگر دست به یک حمله جدید بزنیم و سرمایه داری می خواهد ضمن ادامه حملات و تجاوزات قبلی خود بر علیه ما دست به مقابله و همچنین حمله متقابل بزند. ضمن اینکه در نهایت اگر هر وقت طبقه کارگر توانست متحد و سراسری مبارزه کند، پیروزی نهایی را بدست خواهد آورد. اما در نبرد های مقطعی، بخصوص در نبردهای روزی میان این دو صف آرایی آن طبقه ای دست آورد مثبت خواهد داشت، که با دقت و دیدن کامل تمامی وسعت میدان نبرد، برنامه ریزی و سازماندهی کرده باشد. ما باید در تمامی مبارزات خود به خصوص در نبرد روز کارگزار مبارزه متحدانه و جهانی روز کارگر هر چه بیشتر استفاده کنیم.

ما پیشنهاد می کنیم، روز جهانی کارگرا به دو روش که مکمل یکدیگر هستند. در همین حال دو روش مستقل از یکدیگر نیز می توانند، اجرایی شوند، برگزار کنیم.

۱- برگزاری تبلیغی (یک یا چند آکسیونی را طی یک یا چند روز برگزار نماییم. که البته باید از همین امروز اقدام به سازماندهی تهیه ملزومات و مقدمات آن بکنیم)

۲- برگزاری ترویجی (طی یک دوره ای زمانی اقدام به برگزاری مراسم های کوچک و پراکنده با شکلهای و روش های مختلف ولی پر تعداد نماییم. باز البته این روش نیز ضمن اینکه باید از همین امروز اقدام به سازماندهی و تهیه ملزومات و مقدمات آن بکنیم، این نوع برگزاری خود ضمن داشتن شکل اجرایی مستقل می تواند کمک شایانی برای سازماندهی برگزاری به روش تبلیغی (آکسیونی) نیز باشد.)

هر چند که هر دو روش تبلیغی و هم ترویجی هستند. اما روش اول بیشتر تبلیغی است، تا ترویجی و روش دوم بلعکس است. به این دلیل یکی را تبلیغی و دیگری را ترویجی نام گذاری کردیم.

ما هر دو پیشنهاد خود را در بیانیه های جداگانه ۲۲ و ۲۳ به زودی ارائه خواهیم کرد و از کلیه تشکلهای و افراد گسترش و پردازش پیشنهاد های فوق و یادداشت پیشنهاد های

جدید استقبال کرده آماده هماهنگی های لازم به جهت سازماندهی و برگزاری بهتر روز جهانی کارگر هستیم.
 در برنامه های روز کارگر ضمن بیان مطالبات خود باید بر علیه سرمایه جهانی که با حمله و تجاوز به کشورهای دیگر با سد راه یا منحرف کردن جنبش های انقلابی از رشد و ارتقاء قیام ها و تبدیل شدن آنها به انقلابات کارگری جلوگیری میکند، مبارزه کنیم.

پیش بسوی تشکیل هسته های کمونیستی در محل کار و زندگی

از انقلابات مردم کشورهای جهان حمایت کنیم

تجاوز به لیبی باید هرچه زودتر متوقف شود

ما خواهان خروج نیروهای متجاوز از افغانستان و عراق هستیم

پیش به سوی ایجاد حزب طبقه کارگر

سرنگون باد نظام فاشیستی - اسلامی

سرنگون باد نظام سرمایه داری

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی شورایی کارگری

جبهه واحد کارگری

کمیته همبستگی برای ایجاد اتحادیه ی کارگران ساختمان

۶/۱/۱۳۹۰



چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

((روز جهانی کارگر را هرچه با شکوه تر برگزار کنیم))

در شرایطی به پیشواز روز جهانی کارگر می رویم که نظام جهانی سرمایه داری با تشدید بحران ساختاری خود، دو سوم بشریت ۷ میلیاردی را در گرسنگی و بی حقوقی کامل نگاه داشته و با تشدید فاصله و تضاد طبقاتی رشد مبارزه را به اوج خود رسانده است، کمتر از چهارصد شرکت بزرگ سرمایه داری فرا ملیتی همراه با هزاران شرکت اقماری ۵/۲ میلیارد کارگر و ۳ میلیارد کشاورز را به خاک سیاه نشانده است. رشد سریع تکنولوژی تحت مالکیت خصوصی و افزایش انباشت سرمایه باعث بیکاری بیش از یک میلیارد و ششصد میلیون انسانها شده است چرا که هدف سرمایه داری بهره کشی از انسان و افزایش هرچه بیشتر سود است، در مقابل ستم دیدگان و درراس همه آنها کارگران تمامی کشورهای امپریالیستی یعنی اروپا و آمریکا به همراه آنها آفریقا و خاورمیانه و آمریکای لاتین با اعتصابات و مبارزات قهرمانانه خود زمزمه انقلاب جهانی کارگری را به صدا در آورده اند، طوفانهای سهمگین انقلابی علیه استبداد و بهره کشی سرمایه داری مژده می دهند! جهان آستان حکومت کارگری است!!

طبقه ۴۶ میلیونی کارگران ایران بعنوان گردانی از ارتش ۵/۲ میلیاردی کارگران جهان در نبرد طبقاتی خود علیه استثمار و دیکتاتوری حکومت اسلامی با اعتراض و اعتصابات روز مره خود نشان داده که پتانسیل و انرژی بالایی انقلابی دارد. اما نبود آگاهی کمونیستی بعنوان علم رهایی و نبود حزب سیاسی سراسری این طبقه بعنوان تنها ابزارتشکل سیاسی - طبقاتی سراسری خود براساس منافع مستقل طبقاتی اش در سرنوشتی انقلابی سرمایه داری و برقراری حکومت شورائی خود، باعث شده است، نبرداين طبقه بصورت پراکنده، جنگ و گریز خودبخودی و جدا افتاده، در سطح پائین اقتصادی و... در مسیر آگاهانه جریان نیابد، و از تاثیر قاطع بر حوادث جاری سیاسی دور مانده، در جا بزند.

در حالی که اعتلای انقلابی دور دوم موج تظاهرات مردمی امان رژیم جمهوری فاشیستی-اسلامی رابریده و باعث تشدید تضاد های درونی لاعلاج این نظام شده است و آنرا در معرض فروپاشی کامل قرار داده است. در چنین اوضاع مساعدی و در راستای اجرای وظایف کمونیستی تشدید تبلیغ، ترویج و پیوند آگاهی کمونیستی با جنبش مبارزاتی کارگران و تشکیل حزب سیاسی این طبقه برای هدایت جنبش توده ای در مسیر قدرتیابی آن از وظایف اساسی و مبرم کمونیست ها و کارگران پیشرو است.

نزدیکی روز جهانی کارگر و مصادف شدن آن با اوج گیری جنبش های مردمی در ایران و منطقه و همچنین تشدید مبارزات کارگری ایران خودرو، کیان طایر، پتروشیمی تبریز، هفت تپه، کارخانجات اهواز، ذوب آهن اصفهان و پالایشگاه آبادان و... که مژده اعتصاب سیاسی عمومی را می دهند، ضرورت همگامی و پیوند هرچه آگاهانه تر پیشروان کارگری با جنبش را طلب می کند، مانند روز کارگر سالهای ۸۶ و ۸۸ که باید ضمن برطرف کردن ضعفها، برای متحد کردن و سراسری نمودن مبارزه طبقاتی کارگران تلاش گسترده کرد. ما بر این باوریم که نیروها و تشکل های مبارز کارگری باید تمام تلاش خود را در چند محور متمرکز نمایند:

الف- برای سازماندهی آکسیونهای (برگزاری تبلیغی) موفق در این روز یا حتی چند روز قبل و چند روز بعد تشکیل کمیته مشترک از نیروهای پیشرو کارگری برای هدایت، تبلیغ و سازمانگری حول خواسته های پایه ای و عاجل کارگران و پیوند این خواست ها با خواست های عمومی مثل امنیت شغلی، نابودی سیستم پیمانکاری و قراردادهای موقت، ضرورت آزادی تشکل و اعتصاب، آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، مبارزه علیه گرانی و طرح غارتگرانه حذف یارانه ها، افزایش دستمزدها متناسب با تورم، تعیین سقف حداکثر دستمزدها برای مدیران و...

ب - این درخواست ها بصورت شعارهای تبلیغی مثل برچسب ، تراکت ، اعلامیه ، در مکان های عمومی کارگری پخش گردد (ما بعنوان پیشنهاد یکسری از شعارها را ضمیمه می کنیم)

پ - بازوی اجرایی این آکسیون و تبلیغات براساس رهبری و هماهنگی کمیته مشترک رهبری براساس مناطق نفوذ نیروها بصورت منفرد و یا دسته جمعی در همکاری با هم و با رعایت مسائل امنیتی صورت گیرد بطور مثال گروه یا محفلی که به تنهایی در محله یا کارخانه ای نفوذ دارد می تواند تصمیمات مشترک را براساس توان اجرایی خود بطور فردی جلو ببرد و یا در جاهایی که نیروها از هم شناخت دارند می توانند بصورت هماهنگ عمل نمایند .

ت - وقتی همه ضرورت رهبری جمعی و انتخاب کمیته ای برای انجام کار را قبول کردند برای جلوگیری از هرج و مرج باید دستورات این کمیته بی تردید بصورت امر حتمی اجرا برای نیروی عمل کننده درآید تا ازمحفل گرایی و باند بازی و گریز و شانه خالی کردن از فعالیت جلوگیری شود .

ث - این مسئله (تشکیل کمیته) بهتر است حداقل بیست روز مانده به روز کارگر عملی شود تا نیروها بتوانند با تمام توان و فرصت کافی عمل نمایند .

پیش به سوی پیوند آگاهی سوسیالیستی با جنبش مبارزاتی کارگران

پیش به سوی ایجاد حزب طبقه کارگری

جبهه واحد کارگری

کمیته همبستگی برای ایجاد اتحادیه ی کارگران ساختمان

۶/۱/۱۳۹۰

کارگران جهان متحد شوید



پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر



برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه، حق مسلم کارگران است!



هدف از تجاوز به لیبی منحرف کردن انقلاب مردم است

پیروز باد انقلاب مردم لیبی

خامنه ای - احمدی نژاد در فضای مشمنز کننده نظام فاشیستی - اسلامی جهت حفظ و افزایش سود سرمایه و پیاده کردن دستورات برادران بزرگتر خود در قالب حذف یارانه ها و ... با اعدام و کشتار معترضین در خیابانها و زندانها پیش برده و فریبکارانه جنایات خود را خدمت به مردم و پیاده کردن عدل و عدالت تبلیغ می کند، و برادران بزرگتر این نظام جنایت کار با باران بمب و موشک و راکت بر سر مردم لیبی ادعای برقراری دموکراسی و حقوق بشر را تبلیغ می کنند همان گونه که سالهاست علیه مردم افغانستان و عراق تجاوز را پیش می برند.

وقتی پای حفظ و افزایش سود سرمایه در میان است، نقاب بشر دوستی و دموکراسی خواهی کنار می رود و معلوم می گردد که میان احمدی نژاد و قذافی با اوپاما، سارکوزی، مرکل، برلسکونی و ... ذره ای تفاوت وجود ندارد. خامنه ای برای حفظ و برقرار ماندن نظام سرمایه داری و افزایش سود سرمایه فتوای کشتن جوانان در خیابانها با چاقو، دسته کلنگ ... و گلوله و در زندانها با شکنجه، تجاوز و اعدام را صادر می کند. برادران بزرگتر او در جهت حفظ وضعیت موجود و افزایش سود سرمایه دستور سرکوب مستقیم و غیر مستقیم هر گونه مخالفت با سرمایه داری را به بهانه دموکراسی و حقوق بشر با بارانی از راکت و موشک صادر می کنند.

کارگران، جوانان و مردم انقلابی!

قذافی، خامنه ای و احمدی نژادی و کروبوی و موسوی همچنین اوپاما، سارکوزی، برلسکونی، مرکل و ... علی رغم اینکه اختلافات فاحشی با هم دارند ولی همه ای آنها سربازان و خدمتگذاران اردوی جنایتکارانه سرمایه داری هستند. و همه ای آنها یک هدف را با روش های متفاوت دنبال می کنند هر کدام از آنها با روش متفاوتی می خواهند ضمن حفظ کلیت نظام سرمایه داری سود سرمایه را هر چه بیشتر افزایش بدهند. فراموش نکنیم که سود سرمایه همان ثروت و نانی است که از جیب و سفره کارگران به بهانه ها و روش های مختلف از جمله حذف یارانه ها دزدیده شده به جیب سرمایه داران سرازیر می گردد.

علی رغم اینکه قذافی، احمدی نژاد و دیگر جناح های جمهوری اسلامی با برخی از دیگر دولت های سرمایه داری تا حد جنگ و مخالفت با یکدیگر گلاویز می شوند، اما همگی در اصول اصلی سرمایه داری خدمت گذار بی چون و چرای سرمایه هستند. و بدون هیچ مخالفت و تفاوتی ریشه ای با روش های مختلف اقدام به اجرای طرحهای سرمایه دارانه صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی و ... از جمله حذف یارانه ها، خصوصی سازی و آزادسازی قیمت ها ... می کنند و از این طریق همگی کمر به غارت و چپاول طبقه کارگر بسته اند.

امروز جنایتکاران بزرگ یعنی برادران قویتر خامنه ای و قذافی به بهانه دفاع از مردم و برقراری دموکراسی و حقوق بشر مردم بپا خواسته و آزادیخواه لیبی را با راکت و موشک به قتل می رسانند، تا مبادا طی روند رشد و تحول اعتراضات، منطقه به سمت و سوی تحولات انقلابی و ضد سرمایه داری حرکت کند.

کارگران، جوانان و کمونیستها!!

زمان تنگ است، و هر لحظه به نقطه عطف نبرد های تاریخی نزدیکتر می شویم، سرمایه داری تحت فشارهای روز افزون بحران ساختاری و اعتراضات گسترده توده ای در اقصا نقاط جهان دست و پا می زند، برای رهایی از فشار و انقلابات کارگری به هر جنایتی متوسل می گردد. اگر امروز خود را آماده نکنیم جهان را به آتش خواهد کشید. اگر امروز برای تعیین سرنوشت خود و ابتکار عمل در نقطه عطف تاریخی، خود را سازماندهی نکنیم، نه تنها نمی توانیم در آینده انقلاب کارگری را به ثمر برسانیم، بلکه به شدت سرکوب و قتل عام خواهیم شد.

امروز ما باید در مقابل دو جناح متخاصم سلیقه ای سرمایه داری که از اصول مشترک در چپاول طبقه کارگر پیروی می کنند، در اردوی یکپارچه طبقه کارگر قرار گرفته و متحدانه بر علیه هر دو جناح مبارزه کنیم. امروز بهترین زمان و فرصت برای سازمانیابی و سازماندهی توده ها علیه جمهوری اسلامی و کل سرمایه داری است. باید با تشکیل هسته ها و کمیته ها در کارخانجات، ادارات، دانشگاه ها و مدارس و محلات قدم های بلندی را برای متشکل کردن و سازماندهی توده های انقلابی بر داریم. هر رفیقی وظیفه دارد با رفیق کنار دستی خود هسته ای را تشکیل داده از طریق آن ضمن آموزش و تبلیغات سیاسی توده های اطراف خود را برای اعتراضات و عمل انقلابی آماده کند.

امروز همچنین وظیفه داریم ضمن سازماندهی اعتراضات در جهت سرنگونی جمهوری فاشیستی - اسلامی برای دفاع از مردم لیبی بر علیه جنگ تجاوزگرانه سرمایه داری جهانی دست به اقدامات عملی بزنیم ، در اعتراضات علیه تجاوز شرکت کرده و در گسترش این اعتراضات هرچه بیشتر فعال باشیم. در همین حال خواهان مبارزه بر علیه هر دو جناح سرمایه داری شده، پرچم مستقل طبقه کارگر را به احتراز در آوریم.

جنگ و تجاوز علیه لیبی باید هرچه زود تر متوقف گردد

از انقلابات مردم کشورهای جهان حمایت کنیم

ما خواهان خروج نیروهای متجاوز از افغانستان و عراق هستیم

مرگ بر متجاوزین

پیش به سوی ایجاد حزب طبقه کارگر

سرنگون باد نظام فاشیستی - اسلامی

سرنگون باد نظام سرمایه داری

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی شورایی کارگری

جبهه واحد کارگری

کمیته همبستگی برای ایجاد اتحادیه ی کارگران ساختمان

۲/۱/۱۳۹۰



بمناسبت یازده اردیبهشت ۱۳۹۰ روز جهانی کارگر تقدیم
میکنم :

به طبقه کارگر، به کارگران انقلابی، به جوانان انقلابی،
به کمونیستها که می روند با انقلاب سوسیالیستی
ضمن نجات خود تمامی بشریت را از چنگال
خونریزواستثمارگر نظام سرمایه داری و بطور کل نظام
طبقاتی نجات بدهند. رفقا بی وقفه بازو در بازو، شانه
به شانه می رزمیم برای برقراری چنان روزی

ما زن و مرد جنگیم، به جنگ تا به جنگیم

اول مه روز رزم است، دل به دریا می زنیم
دست زجان شسته، قدم بر خیابان می گذاریم

بهر نان و آزادی و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم
امروز خیابان مال ماست، طرحی بر تسخیر جهان می زنیم

کارگریم، گردش چرخ صنعت مدیون دستان ماست
به وقت رزم، بازو در بازو چرخ را وارون می کنیم

بهر نان و آزادی و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم
شب را تارو مار کرده، روز را، با شفق رنگ می زنیم

رفیقان در رزم با سرمایه داری، قهرمانیها می کنند
صف به صف پرچمها در احتزاز، پا بر زمین می زنیم

بهر نان و آزادی و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم
با ستاره هاو خورشید خویش، طلوع روز را رقم می زنیم

خالق هستی مائیم، به نیروی خویش روح بر تنش می زنیم
مهرابتکار و نوآوری، برهر آنچه هست و خواهد بود می زنیم

بهر نان و آزادی و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم
شهر به شهر، کشور به کشور، دست به اعتصاب سیاسی می زنیم

آنکه با غرش رعد آسا، هوارا شکافته در آسمان می پرد
آنکه سینه ی امواج را شکافته، سرتاسر گیتی می رود

بهر نان و آزادی و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم
ترویج علم رهایی می کنیم، دست به تسخیر قدرت می زنیم

آنچه امروز پشت ویتترین، تلالوی برقش چشم را می زند
یا آنچه رنگین می کند، میز و سفره های هر خانه ای را

بهر نان و آزادی و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم
کوچه و خیابان و شهر و کشور را، در پناه کارخانه سکه می زنیم

یا در شهرها، زیبائیش خبره می کند هر بیننده ای را
حاصل رنج ماست، خود با سفره و جیب خالی زول می زنیم

دختران و پسران رزمنده در زندان، زیر شکنجه و زنجیرند
سوگند به خون رفیقان، همچو طوفان بر زمینت می زنیم

نخواهیم آسود، تا که کودکان جهان گرسنه و مریض اند
ما زن و مرد جنگیم، دژخیم، به جنگ تا به جنگیم

بهر نان و آزادی و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم
با نثار جان خویش پرچم سرخ بر پیشانی خدایان می زنیم

می رویم جهان را تسخیر کرده، سکه ی دولت خود می زنیم
تخت و منبر می شکنیم، شاه و ملاوارباب، بر زمین می زنیم
نوید نان و آزادی می دهیم، افق بر کف اقبال می زنیم
پی می افکنیم سوسیالیسم را، آتش در جان دشمن می زنیم

بهر نان و آزادی و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم
دست از سوسیالیسم نخواهیم شست، طعنه بر مرغ آتش می زنیم

چرخ صنعت گر نگردد، دلخواه ما، اعتصاب کرده
پرچم سرخ انقلاب را، بر تارک گنبد مینا می زنیم
پتک محکم بر سرش، مشت بر دهان دشمن می زنیم
بر گردش سرمایه و چرخش فلک، طرح دیگر می زنیم

بهر نان و آزادی و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم
در ره انقلاب هسته ها می سازیم، دست به ایجاد حزب می زنیم

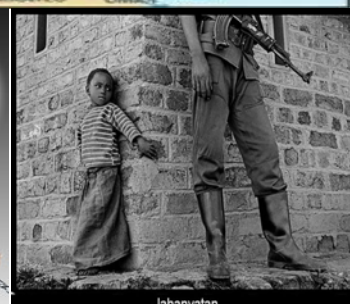
دروادی آزادی گرد و غبار، زتن خواهیم شست
از چشمه ی جوشان سوسیالیسم، نوش خواهیم کرد
بزم ها آراسته، بوسه بر رخ یاران، سلاسل می زنیم
بهر آن روز، اکنون دمامد، دست به قیام می زنیم

بهر نان و آزادی و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم
با حزب و شوراهای کارگری، تن به دریای انقلاب می زنیم

اکنون طنین رعدآسای پای انقلاب می شنویم
در میدان نبرد، بی مهابا بر قلب دشمن می زنیم
گرامروز، صف به صف، بازو به بازو، به رزمیم
چو فردا شود، نان خود آسوده در، قاتوق می زنیم

بهر نان و آزادی و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم
پایکوبان و سرودخوان، دست به انقلاب، دیگر می زنیم

م. اخگر
۱۰/۱/۱۳۹۰



شعارهای پیشنهادی جبهه واحد کارگری برای روز جهانی کارگر

لازم به توضیح است که رفا از این شعار ها برای چاپ و تکثیر و توزیع در محل کار و زندگی با رعایت موارد امنیتی به صورت تراکت و برچسب و ... استفاده نمایند . تذکر مهم این است که قبل از هر موردی امنیت گروهی و فردی را باید مد نظر داشته باشید و همچنین شعارهای که برای محلهای خاص زندگی و کار که دارای ویژگی خاص هستند، بهتر است خودتان شعار ویژه آن محل را درست کرده توزیع نمایید. تا تاثیر عینی و عمیق لازم را بگذارد.

سوسیالیسم ادامه ی حیات ، انقلاب ، انقلاب تنها راه نجات

برای نجات از گرانی مرگ بر جمهوری اسلامی

۱	حکومت کارگری ادامه ی حیات ، اتحاد ، اتحاد تنها راه نجات	۲	ما زن و مرد، برابریم خواهان حکومت، کارگریم
۳	کارگر می جنگد ، می رزمد ، سازش نمی پذیرد	۴	فریاد می زنیم : برابری ، برادری حکومت کارگری
۵	برای نجات از گرانی مرگ بر جمهوری اسلامی	۶	اول ماه مه روز جهانی کارگر ، روز فریاد است : سرنگون باد سرمایه داری برقرار باد سوسیالیسم
۷	فریاد می زنیم : قرارداد موقت ، رژیم پیمانکاری نابود باید گردد	۸	اشتغال دائم ، حق اعتصاب ، تشکل واقعی ایجاد باید گردد.
۹	فریاد می زنیم : کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.	۱۰	زنان و مردان ما برابرند خواهان حکومت کارگرند
۱۱	فریاد می زنیم کارگر کارگر اتحاد اتحاد تا مرگ استبداد	۱۲	کارگران اتحاد اتحاد علیه سرمایه
۱۳	ما خواهان امنیت شغلی هستیم	۱۴	۱۱ اردیبهشت روز همبستگی کارگران برای نابودی حکومت اسلامی
۱۵	زندانی سیاسی آزاد باید گردد	۱۶	ما خواهان اشتغال دائم هستیم
۱۷	روز جهانی کارگر، روز مبارزه طبقه ۴۶ میلیونی کارگران برای برقراری جمهوری سوسیالیستی شورائی کارگران است .	۱۸	روز جهانی کارگر، روز مبارزه آگاهانه کارگران برای ایجاد حزب سیاسی طبقه ۴۶ میلیونی کارگران است.
۱۹	۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر، روز مبارزه متحدانه کارگران و آزادیخواهان برای نجات زندانیان سیاسی است.	۲۰	۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر، روز اتحاد طبقه ۴۶ میلیونی کارگران برای کسب نان ، کار ، مسکن و آزادی است
۲۱	فریاد می زنیم نه سازش ، نه تسلیم نبرد تا پیروزی	۲۲	فریاد می زنیم نابود باد حکومت اسلامی، برقرار باد حکومت شورائی
۲۳	فریاد میزنیم تحصیل، بهداشت و درمان، مسکن و آموزش درحکومت شورائی کارگران رایگان است.	۲۴	فریاد می زنیم حکومت اسلامی نابود باید گردد ، حکومت شورائی ایجاد باید گردد.
۲۵	ما خواهان مصادره اموال سران حکومت اسلامی ، محاکمه عامرین و قاتلین حکومتی هستیم.	۲۶	ما خواهان لغو حذف یارانه ها ، لغوگرانی ، لغو بهره کشی ، لغو استبداد هستیم
۲۷	اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز نبرد برای تحقق حق اعتصاب ، تشکل و اشتغال دائم است.	۲۸	روز جهانی کارگر نبرد علیه اخراج، قرارداد موقت و پیمانکاری است.
۲۹	روز کارگر روز اتحاد و مبارزه زنان ، دانشجویان و ملل ستم دیده تحت رهبری طبقه کارگر برای تحقق آزادی و برابری است.	۳۰	روز کارگر، روز مرگ ولایت، سرنگونی جمهوری فاشیستی - اسلامی و روز برقراری حاکمیت شورائی کارگران و زحمتکشان است.
۳۱	ما باهم متحد می شویم، تا بر کنیم ریشه استبداد -	۳۲	روز جهانی کارگران روز مبارزه همگانی علیه گرانی و علیه فقر است
۳۳	روز جهانی کارگر ، روز مبارزه علیه استبداد و بهره کشی است.	۳۴	ما فریاد خواهیم زد: کار دائم لازمه نان کافی لازمه
۳۵	اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز حمایت از قیام و انقلابات کارگران تمامی کشورها ست.	۳۶	اول ماه مه روز جهانی کارگر ، روز حمایت از ستمدیدگان و مبارزه علیه ستمگران است. -
۳۷	اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز اتحاد جهانی کارگران و روز مبارزه علیه دیکتاتوری سرمایه داری جهان و داخلی است.	۳۸	در اول ماه مه، روز جهانی کارگر پیش بسوی برقراری جمهوری سوسیالیستی شورائی کارگری
۳۹	اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر است. -		

زنده باد اعتصاب عمومی سیاسی زنده باد انقلاب کارگری

سرنگون باد حکومت اسلامی - سرمایه داری

برقرار باد جمهوری سوسیالیستی شورائی کارگر